گزارشها و اسناد کنگره چهارم
حزب کمونیست ایران

www.iran-archive.com

تیرماه ۱۳۷۳ ـ ژوئیه ۱۹۹٤

مجموعه‌ای که در دست دارید حاوی بخشی از اسناد کنگره چهارم حزب کمونیست ایران است. بخش اعظم این مجموعه را گزارش کمیته مرکزی پیشین به کنگره تشکیل می‌دهد که از طرف ابراهیم علیزاده ارائه شد. این گزارش که مسائل سیاسی و تشکیلاتی متعددی را در برمی‌گرفت در کنگره مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت و سرانجام کلیات آن به تصویب کنگره رسید. بعلاوه خود کنگره قراری مبنی بر لزوم انتشار این گزارش به تصویب رسانید. آنچه در این کتاب می‌بینید متن گزارش به کنگره چهارم است که از طرف خود ابراهیم علیزاده مجددا ویراستاری شده و با پاره‌ای حذف‌ها و تغییرات جزئی برای انتشار آماده شده است.

بعلاوه اطلاعیه پایانی کنگره چهارم و پیام کنگره به کارگران ایران نیز جزو اسناد مربوط به کنگره در اینجا مجددا بچاپ می‌رسد

همچنین لازم دانستیم مصاحبه‌ای را که نشریه "جهان‌امروز" در باره نتایج کنگره با عبدالله مهتدی داشته در این جا نیز بیاوریم تا خواننده تصویر کم و بیش کاملتری از این کنگره بدست آورد.

لازم به یادآوری است که علاوه بر مسائل سیاسی و تشکیلاتی گوناگون و صدور قرارهای متعدد، کنگره چهارم بویژه پیش‌نویس برنامه جدید حزب را نیز بررسی کرده و در کلیات مورد تائید قرار داد که در این کتاب نیامده‌است. برنامه جدید حزب کمونیست ایران بعدا بطور جداگانه منتشر خواهدشد.

آبانماه ۱۳۷۳

نوامبر ۱۹۹۴

www.iran-archive.com

فهرست :

I- گزارش کمیته مرکزی به کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

۱ ـ نگاهی به اوضاع عمومی جهان ، دورنمای مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم .

۲ ـ وضعیت سیاسی و اجتماعی در ایران کنونی ،
موقعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری .

۳ ـ رئوس سیاست و اقدامات عملی ما در رابطه با سازمان محل کار و زیست در ایران .

٤ ـ اوضاع سیاسی و اولویت ها و جهت گیریهای فعالیت حزب در کردستان

۵ ـ رئوس سیاست و جهت گیریهای ما در فعالیتهای خارج کشور .

٦ ـ گزارشی از تشکیلات کومه له .

۷ ـ گزارشی از تشکیلات خارج کشور .

۸ ـ گزارشی از عملکرد امور اجرائی کمیته مرکزی حزب .

۹ ـ گزارشی از عملکرد دبیرخانه حزب .

۱۰ ـ ضمائم .

(برای انتشار علنی این گزارش بخش‌هائی بدلیل نالازم بودن آنها برای خوانندگان غیر حزبی و قسمتهائی نیز به دلیل ملاحظات امنیتی حذف شده‌اند . فصلهای ۲ . ٦ . ۷ ، ۸ . ۹ و ضمائم از آنجمله‌اند .

II- اطلاعیه پایانی کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

III- پیام کنگره چهارم حزب کمونیست ایران به کارگران ایران

IV- مصاحبه نشریه " جهان امروز " با عبداله مهتدی درباره کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

www.iranarchive.com

گزارش کمیته مرکزی

به کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

www.iran-archive.com

فصل اول

۱ ـ نگاهی به اوضاع عمومی جهان ، دورنمای مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم .

مقدمه :

از کنگره سوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۸ تا کنون بیش از چهار سال می گذرد .در این سالها جهان دستخوش تحولات بزرگی بوده است .فروریختن دیوار برلین و اتحاد دو آلمان ، تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و

از هم‌پاشیده شدن بلوک شرق، اینها نه فقط تغییری در جغرافیای سیاسی جهان بلکه ورق خوردن دوره‌ای از تاریخ حیات بشر بودند. جهان دو قطبی سرمایه‌داری که بر مبنای آرایش و تناسب قوای بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود با شکست بلوک شرق در مصاف ۴۵ ساله‌ای که بنام جنگ سرد شهرت یافته بود، وارد دوره جدیدی شده است. این دوره با نمایش برتری ایالات متحده آمریکا بر اتحاد شوروی آغاز گردید، اما بزودی معلوم شد که چنین موقعیتی در سطح جهانی و در رقابت با غول های جدید جهان سرمایه‌داری، بویژه ازلحاظ اقتصادی برای آمریکا بسیار بی‌ثبات و کوتاه مدت است. حضور غول های جدیدی چون اروپا، ژاپن و چین بدون شک رؤیای رهبری بلامنازع آمریکا رابرمقدرات جهان امروز پریشان کرده است. آرایش دورد آتی قدرت های بزرگ سرمایه داری هنوز نا روشن است اما آنچه که امروز به وضوح دیده می‌شود رقابت هایی است که برای بدست آوردن موقعیت های جدید در جریان است و مراکز قدرت سرمایه داری هر کدام در جستجوی کسب جایگاهی متناسب با نفوذ و قدرت سرمایه‌شان در شکل بندی جهان پس از جنگ سرد هستند و در واقع‌ما شاهد دوردیگری از تجدید تقسیم جهان در بین قدرت های بزرگ سرمایه داری هستیم.

بازار آزاد و دموکراسی اهدائی غرب برای مردم کشورهای اروپای شرقی چیزی جز فقروفلاکت و ناامنی و تداوم رکود و عقب ماندگی به دنبال نداشت. مردم کشور های عقب مانده سرمایه داری غرق در قرض در دام بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به سوی تباهی و نابودی

www.iran-archive.com

بیشتر سوق داده شدند. در خود بلوک پیروز بحران اقتصادی سرمایه‌داری تشدید شد و یورش همه جانبه برای باز پس گیری دست آورد های اجتماعی طبقه کارگر شدت بیشتری گرفت.

درسطحی دیگر تحولات شگرف و خیره کننده در زمینه های علوم و تکنولوژی و به ویژه در عرصه الکترونیک و اطلاعات دروازه های سعادت و بیروزی را بر روی آینده بشر باز کرده‌اند این تحولات بارآوری کار انسانی و نیروی خلاقه بشر را به درجه ای بالا برده است که بشر قادر است همه نیازهای مادی حیات خود را به وفور تولید کند و برای همیشه به اسارت خود در چنگال نیروهای کور جامعه طبقاتی و طبیعت پایان دهد. اما امروز همین امکان مادی و حاصل کار بشر در چنگال مناسبات سرمایه‌داری به بند کشیده شده است و بشریت در یک قدمی سعادت و رفاه و برابری از دست یابی به این امکان واقعی برای رهائی محروم گشته است. در متن این همه امکانات مادی و این همه دگرگونی های باور نکردنی تکنولوژی و ارتباطات درهیچ دوره ای از حیات بشر به اندازه عصر فرمانروائی سرمایه‌داری امپریالیستی بر جهان این همه انسانها عملا به بردگی کشیده نشده اند، این همه گرسنه نبوده‌اند، این همه کشته نشده‌اند. در چنین اوضاعی است که هلهله شادمانی دستگاههای بورژوازی جهانی در پیروزی بر آنچه که به نام سوسیالیسم شناسانده بودند مدتهاست که فروکش کرده است و سوسیالیسم هنوز به عنوان یگانه راه نجات واقعی در برابر بشریت قرار دارد.

www.iran-archive.com

بگذارید این رویدادها را قدری بیشتر بشکافیم

۱ـ فروپاشی اتحادشوروی اضمحلال سیستم سرمایه‌داری دولتی در کشورهای اروپای شرقی، پایان دوره " جنگ سرد "، بدون شک در صدر تغییرات بزرگی قرار دارند که جهان در این فاصله شاهد آن بوده است. این رویداد نقطه پایان منازعاتی بود که بین دو بلوک سرمایه داری جهان برای مدت دهها سال جریان داشت و سرانجام با پیروزی بلوک سرمایه داری غرب پایان یافت، سابقه این کشمکش هفتاد و چند ساله به پیروزی انقلاب کارگری در روسیه برمی گردد.

با انقلاب اکتبر در سال ۱۹۰۷ طبقه کارگر روسیه به رهبری حزب بلشویک قدرت سیاسی را بدست گرفت و ارگانها و نهادهای حکومتی خود را از طریق شوراهای دمکراتیک مستقر ساخت. این انقلاب که خود وارث ویرانیهای جنگ جهانی اول و قحطی و فقر و فلاکت ناشی از آن بود در همان فردای پیروزی مورد تهاجم دولتهای سرمایه داری صنعتی قرار گرفت و همزمان ضد انقلاب داخلی با پول و تجهیزات آنها به صورت لشکرها و واحدهای نظامی تجدید سازمان یافت. کارگران به قدرت رسیده، سالهای دشوار و پراز رنج و فداکاری را برای باز پس زدن دست تجاوز دولتهای امپریالیستی سپری کردند و با همه این موانع از دستاورد پیروزی خود، از حکومت کارگری دفاع کردند و جهان سرمایه داری را ناچار کردند که واقعیت وجود حکومت کارگری را در

www.iran-archive.com

روسیه بپذیرد. انقلاب روسیه جان تازه ای به مبارزات عدالت خواهانه و آزادیخواهان در سراسر جهان بر علیه قدرتهای استعماری آن زمان بخشید و به نقطه امیدی برای انسان کارگر و زحمتکش در سراسر جهان تبدیل شد.

این انقلاب اگرچه با بذل جان و به نیروی مقاومت میلیونها کارگر و زحمتکش بیدار شده روسیه برای سالها حفظ شد، علیرغم غلبه بر مشکلات اولیه و ثبات سیاسی‌ای که حکومت کارگری بدست آورده بود نتوانست در سیر پیشرفت خود بنیادهای سرمایه داری روسیه را زیر و رو کند و به یک انقلاب اقتصادی سوسیالیستی منجر شود. طبقه کارگر روسیه و حزب سیاسی پیشرو آن به دلایل متعدد که خود جای بحث جداگانه ای است. از انجام این تحول اقتصادی عاجز ماندند و افق توسعه و صنعتی شدن سرمایه دارانه. به عنوان یگانه راه حل در مقابل جامعه روسیه قرار گرفت.

.....

.....

بدین ترتیب زمینه های انحطاط و تغییر ماهیت طبقاتی دولت شوروی فراهم شد. بر زمینه تحول کاپیتالیسی اقتصاد و نیاز به دولتی متمرکز که امکان انباشت کلان سرمایه را در مقابله با مقاومت دهقانان و اقتصاد خرد فراهم کند و نیزلزوم وجود دولتی مقتدر که بتواند در مقابل غرب ایستادگی کند، قدرت بلامنازع و دیکتاتوری استالین در حزب برقرار می‌شود. جامعه روسیه در مسیر تحول سرمایه دارانه اقتصادی قرار می‌گیرد و اهداف بورژوازی عظمت طلب روسیه به جای

www.iran-archive.com

آرمانهای عدالت خواهانه طبقه کارگر می‌نشیند.

در سالهای دهه سی و بعد از آن جامعه روسیه با شتاب قدم در راه صنعتی شدن و رشد سرمایه‌داری تحت کنترل دولت نهاد و پروسه انباشت سرمایه به قیمت رنج و مرارت مردم زحمتکش در روسیه به فرجام رسید و این کشور را به یکی از قدرتهای بزرگ اقتصادی، صنعتی و نظامی جهان تبدیل کرد. این جریان در سیر پیشرفت خود یک دستگاه بوروکراتیک دولتی و یک سیستم خفقان آور امنیتی را بر مردم اتحاد شوروی حاکم گردانید و ترور و سرکوب به روش جاری و روزمره دولت حاکم بر این کشور تبدیل گردید.

در سالهای دهه سی، در شرایطی که اقتصاد سرمایه داری در کشورهای صنعتی غرب دچار بحران و رکود بود در اتحاد شوروی برنامه های اقتصادی یکی بعد از دیگری اهداف پیش‌بینی شده خود را برآورده می کردند. در سالهای که اروپای غربی به سرعت در تدارک جنگ ویرانگر دیگری، جنگ جهانی دوم، بود اقتصاد متمرکز و برنامه ریزی شده شوروی نیز دست اندر کار فراهم ساختن ملزومات دفاع از خود در برابر جنگی بود که قبل از همه برای مقابله با اتحاد شوروی تدارک دیده میشد. اتحاد شوروی پیروزمند از میدان جنگ بیرون آمد و همین پیروزی به این کشور امکان داد که بصورت وزنه تعیین کننده در شکل دادن به جغرافیای سیاسی جهان پس از جنگ درآید. اگرچه ویرانیها و زیانهای جنگ جهانی دوم برای مدت کوتاهی سرعت رشد اقتصادی اتحاد شوروی را کاهش داد اما سرانجام سیر توسعه اقتصادی از سر گرفته

www.iran-archive.com

شد و در مدت ده سال نخست پس از جنگ اتحاد شوروی بصورت قطب نیرومندی در برابر بزرگترین قدرت نظامی، اقتصادی جهان یعنی ایالت متحده آمریکا در آمد.

موقعیت انحصاری جدیدی که اتحاد شوروی بدست آورده بود این کشور را قادر ساخت تا حوزه عمل اقتصادی ویژه خود را در سطح جهانی بوجود آورد و به کمک دولتهای سرسپرده و بدون نیاز به رقابت فشرده با غرب میدان عمل اقتصادی خود را در بخش های وسیعی از جهان بگستراند. این واقعیت در کنار پائین ماندن سطح زندگی وتوقعات توده مردم (مصرف کنندگان) و فروکش کردن انگیزه خلاقیت و ابتکار ودلبستگی به نظام حاکم، در میان توده کارگران، رشد بوروکراسی و فساد دولتی همگی موجب عقب ماندن سطح تکنیک و تولید و در نتیجه پائین آمدن کیفیت محصولات تولید شده، که خود را بی نیاز از رقابت آزاد می دیدند، گردید.

سرمایه داری امپریالیستی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بزودی به این نتیجه رسید که برای به‌زانو در آوردن رقیب قدرتمند بایستی وی را به یک رقابت فشرده در عرصه تسلیحاتی و نظامی بکشاند. مطابق این سیاست اقتصاد اتحاد شوروی از طریق تشدید رقابت تسلیحاتی تحت فشار قرار گرفت.

سرمایه داری دولتی در روسیه که حفظ موقعیت این کشور در میدان رقابتهای جهانی را برای حفظ منافع خود در اولویت می دید عملا به همان گونه رفتار کرد که سرمایه‌داری غرب خواستار آن بود. پیمانهای ناتو و ورشو در برابر یکدیگر صف آرایی کردند. ایالات متحده

www.iran-archive.com

در ناتو از پشتیبانی همکاران قدرتمند خود در کشورهای صنعتی اروپا برخوردار بود و محصول مجتمع های بزرگ نظامی و صنعتی‌شان را به دولت های سرسپرده‌ای در دنیا می فروخت که ثروت های ملی این کشورهارا با سخاوتمندی به جیب بانک ها و کمپانی های آمریکائی سرازیر می کردند و این عرصه خود مستقیما در خدمت قدرتمندتر کردن سرمایه داری آمریکا قرار داشت. درحالیکه هم‌پیمانان دولت شوروی کشور های فقیر اروپای شرقی و مشتری سلاحهایش دولت های تازه استقلال یافته و یا جنبش های آزادی بخش بودند. و این برای اتحاد شوروی رقابتی کمرشکن بود. ایالات متحده که نقطه‌ضعف رقیب را یافته بود به درخواست های اتحاد شوروی برای امضای قراردادهای مؤثر در زمینه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی وقعی نمی نهاد.

از سالهای دهه هفتاد نشانه های ضعف و عقب ماندگی در اقتصاد اتحاد شوروی به تدریج آشکار می‌شد. اما رهبری سنتی از سوئی می‌کوشید تا آمارها و حقایق مربوط به این وضعیت را پرده پوشی کند و ازسوئی دیگر حاضر نبود راه چاره جدیدی برای متوقف ساختن سیر رکودو عقب‌ماندگی اتخاذ کند. بوروکراسی عریض و طویلی که تار و پود سیستم اداری و دولتی این کشور را در هم تنیده بود به مانع عبور ناپذیری بر سر راه لیبرال هائی که خطررا احساس کرده بودند و در جستجوی راه نجاتی بودند، تبدیل شده بود. کمبود مواد اساسی مورد نیاز مردم، پائین بودن سطح دستمزدها، افزایش شدت کار و علاوه بر همه اینها استبداد سیاسی حاکم و نبودن

www.iran-archive.com

هیچ گونه فضائی برای ابرازوجود آزادانه سیاسی و صنفی‌و اجتماعی،کارگران و توده های مردم این کشور را روز بروز از سیستم حاکم در این کشور بیشتر بیگانه می‌کرد و پایه‌اجتماعی دولت رامحدود و محدودتر می‌نمود. گورباچوف و سیاستمداران لیبرال همکارش که با پرچم گلاسنوست و پروستروریکا در اواسط دهه هشتاد به قدرت رسیدند در شرایطی کار خود را شروع کردند که روند رکود و اضمحلال سرعت گرفته بود و چاره جوئی های آنها مؤثر واقع نشد.

سیستم اقتصادی بشدت متمرکز و غیر منعطف دولتی اگر در دوره ای موجبات انباشت سرمایه و رشد سریع تولید ملی را در روسیه فراهم کرده بود، کارآیی های اولیه خود را از دست داد و به مانعی بر سر راه رشد اقتصادی در این کشور تبدیل شد. بوروکراسی حزبی و دولتی که ملزومات پیشرفت پروسه صنعتی شدن روسیه را به خشن ترین شیوه فراهم کرده بود، دیگر به دستگاه بی خاصیت و پر هزینه ای تبدیل شده بود که هرگونه تغییر و پیشرفتی بدون از میان برداشتن آن غیر ممکن شده بود.

بدین ترتیب کمر اتحاد جماهیر شوروی در عرصه رقابت اقتصادی در برابر غرب به سرکردگی آمریکا شکست و اتحاد شوروی از هم پاشید.

۲ـ با سقوط بلوک شوروی جهان یکباره خود رادر موقعیت تغییر یافته جدیدی یافت. دهها سال بود که صف بندی دولتها و جغرافیای سیاسی جهان بر اساس رقابتها و منازعات دو بلوک شرق به سرکردگی اتحاد

www.iranarchive.com

شوروی و بلوک غرب به سرکردگی آمریکا شکل میگرفت. ازآسیای جنوب شرقی گرفته تا خاور میانه، آفریقا و آمریکا لاتین همه جا منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی این دو بلوک بر سرنوشت مردمان سایه انداخته بود. با سقوط اتحاد شوروی، همه آنها یکباره خود را با موقعیت جدید و مسائل جدید روبرو دیدند و برای مسائل خود راه حلهایی را که به مذاق بلوک پیروز سازگارتر بود در مقابل خود یافتند. شکافها و تضادهایی که تا آن موقع منافع ملی و محلی دولتها و جنبش های مختلف در لابلای آن جای بازکرده بودند از میان رفتند. افغانستان، کامبوج، فلسطین، آنگولا، نیکاراگوئه، ... از جمله نقاطی از جهان بودند که پایان دورد جنگ سرد آنها را در موقعیت جدیدی قرار میداد و نسخه آمریکایی برای حل و فصل کشمکش های جاری آنها در دستور قرار میگرفت. با جنگ خلیج که با حمله عراق به کویت زمینه ها و امکان آن فراهم گشت، قدرت یه‌کدتاز وبلامنازع نظامی امپریالیسم آمریکا به همگان یادآوری شد و در عین حال این رویداد نمایش ضعف و افول اتحاد جماهیر شوروی به مثابه یکی از دو ابر قدرت در مقابل چشم جهانیان بود.

۳ ـ اوضاع در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق

الف ـ از لحاظ سیاسی: با پیداشدن آثار ضعف در ارکان اقتدار دولت شوروی و شل شدن بندهای وابستگی این کشورها، دولت های حاکم یکی پس از دیگری به‌زیر کشیده شدند. جنبش عظیم توده‌ای و آزادیخواهانه در آلمان

www.iran-archive.com

شرقی و چک اسلواکی تقریبا بدون خونریزی رژیم های سابق را ازپا انداخت . در رومانی مقاومت رژیم حاکم به خونریزی و کشتارهای وحشیانه منجر شدو سرانجام در یک شبه کودتا باند دیگری از هیات حاکمه بر قدرت سیاسی دست یافت . دولت سرسپرده شوروی در لهستان مدتها قبل جای خود را به آرامی به دولتی طرفدار بازار آزاد سپرده بود.دولت های حاکم در بلغارستان و مجارستان در یک پروسه پارلمانی از قدرت کنار رفتند. مردم ناراضی و بدجان آمده در همه این کشورها با آرزوهای عدالت خواهانه و آزادیخواهانه به حرکت در آمده بودند، اما همه این موقعیت جدید مورد بهره برداری آلترناتیوهای راست قرار گرفت و امیدهای مردم به‌پاخاسته بزودی نقش بر آب شد.

قدرت حاکمه متکی بر سیستم تک حزبی‌در همه این کشورها از بین رفت. احزابی که سابقا کمونیست نامیده میشدند یا بطورکلی منحل گردیده و از میدان مبارزه سیاسی خارج شدند و یا تغییر نام داده و بصورت فراکسیونها و دستجات مختلف در جناح چپ این جوامع به حیات سیاسی خود ادامه دادند.نمونه‌های احزاب غربی به سرعت در این کشورها تشکیل شدند و سیستم‌های چند حزبی جای نظام‌های حکومتی تک حزبی را گرفتند. از لحاظ نظام حکومتی دولتهایی بر اساس مدلهای اروپای غربی شکل گرفتند. پیمان ورشو ازهم پاشید و بدین ترتیب به چهل سال اقتدارسیاسی و اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در اروپای شرقی پایان داده شد.

در تعدادی از کشورهای جدا شده از اتحاد شوروی

www.iran-archive.com

سابق و اروپای شرقی ازآن جمله در یوگسلاوی، ناسیونالیزم و اختلافات ملی که سالیا بود فروکش کرده بودند بر متن نابسامانی وضع اقتصادی و خلاء قدرت مرکزی دوباره سر بلند کردند و موجی از کشتارهای قومی در این مناطق براه افتاد. انسانهایی که طی سالیا علیرغم تفاوتهای ملی و مذهبی در کنار هم زیسته بودند طی مدتی کوتاه به دشمنان خونی و قسم خورده همدیگر تبدیل شدند و تراژدیهای دردناکی از نوع آنچه که در یوگسلاوی سابق هم اکنون جریان دارد را بوجود آوردند.

گروهها و دسته بندی های سیاسی دست راستی ، در متن بی‌سروسامانی اوضاع و بحران سیاسی و فروپاشی قدرت مرکزی به تلاشی مبعانه برای برقراری‌و تحکیم حاکمیت خود دست زدند و دراین راه به تحریک و برجسته کردن تفاوت های قومی و زنده کردن کینه‌ها و دشمنی ها ملی قدیمی بین انسانهای ساکن در این سرزمین ها پرداختند. اگرچه هر کدام از موارد جدالهائی که در کشورهای بلوک شرق سابق بوقوع پیوسته اند نیاز به تحلیل و ارزیابی های مشخص و جداگانه نیز دارند، اما کل این منازعات هیچ محتوای آزادی‌بخش و مترقی در بر ندارند و صرفا کشمکش بر سر حاکمیت سیاسی جناح های مختلف بورژوازی است که به قیمت تباهی زندگی میلیونها انسان جریان دارد.

علاوه بر منازعات پراکنده ملی در جمهوری های فدراتیو روسیه که در چند سال گذشته دهها‌هزار قربانی گرفته است ، بحران سیاسی در عین حال راه را برای تقویت جریانات عظمت طلبانه روسی و نژادپرستانه و

www.iran-archive.com

ارتجاعی هموار کرد که نمونه آن را در انتخابات سال گذشته روسیه شاهد بودیم.

در این گیر و دار دولتهای غربی هر کدام در پی تامین مصالح سیاسی خود آتش بیار عملی این معرکه گردیدند. بعنوان مثال در قضیه یوگوسلاوی دولت آلمان از همان ابتدا مشوق تجزیه یوگسلاوی بود و با کمکهای عملی خود جریان این تجزیه را تسریع کرد. در حوداث بعدی و با تداوم جنگ داخلی در یوگسلاوی آمریکا که فرصتی برای قدرت نمایی در قلب اروپا برایش فراهم آمده بود بر لزوم دخالت گسترده نظامی در قضایای آنجا پافشاری کرد. دولتهای اروپائی که می خواستند در جائی سرانجام جلو ترک تازیهای پس از خاتمه جنگ سرد ایالت متحد آمریکا را سد کنند با چنین دخالتی مخالفت نمودند و جنگ در بوسنی به حال خود رها شد و بدین ترتیب وحشیگریهای قومی جان صدها هزار انسان را در کام خود فرو برد.

ب ـ از لحاظ اقتصادی : محدودیت های تجاری دورد گذشته در معامله با غرب کاهش یافت و درهای بازار کشورهای اروپای شرقی بر روی سرمایه‌داری غرب گشوده شد و در مقابل مراودات تجاری با روسیه که خود دچار آشفتگی اقتصادی بود به حداقل خود رسید. سر و کله برنامه ریزان و کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همه جا پیدا شد و سیاستها و توصیه های این مراکز پولی سرمایه داری جهانی خط مشی اقتصادی این کشورها را شکل داد.

www.iran-archive.com

اگرچه از لحاظ حقوقی پاره‌ای از محدویت هائی که در گذشته بر سر راه صدور کالاها و تولیدات صنعتی در کشورهای اروپای شرقی‌وجود داشت، برداشته شد اما این کالاها به‌دلیل نامرغوبی قدرت رقابت را در مقابل تولیدات کشورهای صنعتی غربی نداشت و بازسازی صنایع قدیم و مدرنیزه کردن آنهانیز به سرمایه های کلان احتیاج داشت. غرب که خود در دوره بحران و رکود اقتصادی به‌سر می برد و با کمبود سرمایه روبرو بود کمک موثری برای به حرکت درآوردن چرخ توسعه اقتصادی در این کشورها به عمل نمی آورد. کمک های غذایی عاجل برای جلوگیری از قحطی و گرسنگی در دوره انتقال تنها وعده ای بود که به این کشورها داده شد و به طور محدودی عملی گردید.

در روسیه همه خوشبینی ها و امیدهای اولیه در میان بخش های از مردم به بهبود وضع اقتصادی تحت نظام اقتصاد بازار آزاد و رژیم جدید از بین رفته است. کنترل وضع اقتصادی کشور از دست دولت خارج شده است. نرخ تورم ماهانه ۲۵ درصد است. از دل بوروکراسی فاسد دولت قبلی باندهایی از سرمایه داران جدید سربرآورده اند که برای تصرف بنگاههای حراج شده به رقابت می پردازند.چهل درصد از اهالی این کشور درآمد کافی برای تامین غذای اولیه روزانه مورد نیاز خود را ندارند و ۴۰ درصد هم ۹۰ درصد از درآمد خود را برای زنده ماندن بایستی به غذا اختصاص دهند. این وضع موجب گسترش فحشاء، اعتیاد، ناامنی اجتماعی، و توسعه فعالیتهای باندهای قاچاق و شبکه های مافیایی، تقویت گرایشات

www.iran-archive.com

ارتجاعی مذهبی و ناسیونالستی گردیده است.

٤ ـ کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری صنعتی

فروپاشی بلوک شرق در دوره ای اتفاق افتاد که‌دور دیگری از بحران اقتصادی دامن کشورهای سرمایه داری صنعتی رانیز گرفته بود. این بحران که از اواسط دهه هشتاد آغاز شده بود اکنون عوارض آن تمام عرصه های زندگی و تولید در این کشورها را در برگرفته است.رکود های مزمن و دوره ای ریشه در ساختار نظام سرمایه داری دارند. از جنگ جهانی دوم به این طرف سرمایه داری جهانی چندین دوره بحران و رکود اقتصادی را پشت سر نیاده است طی این مدت دوره های کسادی دراز مدت تر و عمیق ترو دوره های رونق گذرا وکم دوام تر بوده اند. این بحران‌در سالهای اخیر بویژه خود را در واقعیتهای زیر نشان داده است.

ـ تنزل نرخ رشد تولید ناخالص ملی : میزان تولید ناخالص ملی یکی از شاخص های ارزیابی رکود اقتصادی و بحران در هر دوره ای است سیر نزولی این نرخ رشد از سال ۱۹۸۴ به این طرف که نقطه اوج یکی از دوره های رونق کوتاه مدت سرمایه داری بود از نو آغاز شده است. این نرخ که بطور متوسط درهفت کشور صنعتی جهان در سال ۱۹۸۴، ۴/۶ درصد بود در سال ۱۹۹۳ به صفر و حتی زیر صفر رسید. در این رابطه کشورهای از نظر اقتصادی نیرومندی نظیر آلمان و ژاپن از این قاعده

www.iran-archive.com

مستثنا نبوده اند.

تشدید بی‌ثباتی در بازارهای مالی، بالارفتن میزان آسیب پذیری سرمایه در بورس‌ها و بازارهای سهام، نابسامانی ارزش پول ها و اوراق بهادار، افزایش حجم معاملات پولی و مالی نسبت به فعالیت های تولیدی و...

- زیان دهی برخی از شرکتها و مؤسسات بزرگ و افت نرخ سود اکثریت قریب به اتفاق آنها. ظرفیت های بدون استفاده تولیدی در غالب این شرکتها افزایش یافته است. در سالهای اخیر این شرکت ها کوشیده اند با در پیش گرفتن سیاست‌هائی تحت عناوین "قابلیت انعطاف نیروی کار"، "افزایش بارآوری"، "کاهش هزینه های تولید" و "بیکارسازی" و غیره که همگی چیزی جز تشدید استثمار طبقه کارگر نیستند وضعیت خود را بهبود بخشند، با این همه واقعیت فوق یکی از عارضه‌های بحران این دوره سرمایه داری جهانی است.

- تورم و کاهش عملی دستمزدها: با همه تلاش‌هائی که دولت‌های غربی برای جلوگیری از تورم و افزایش قیمت ها صورت می دهند، کاهش قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران در سالهای اخیر در این کشورها انکارناپذیر است و همین واقعیت خود موجب رکود بیشتری گردیده است. این وضعیت مطالبه افزایش دستمزدها به نسبت تورم را بصورت یک خواست دائمی جنبش کارگری درآورده است.

www.iran-archive.com

ـ تشدید بیکاری : میزان رسمی بیکاری در کشورهای بازار مشترک اروپا به ۱۱/۶ درصد رسیده است. این رقم در آمریکا نزدیک به ۷ درصد و در ژاپن حدود ۳ درصد است. این ارقام در سالهای اخیر در همه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌اقتصادی (O.E.C.D.) رو به رشد بوده است.

ـ لغو امتیازات اجتماعی و کاهش تعهدات دولتها نسبت به جامعه: اعلام رسمی شکست سیاستهای اقتصادی آنچه که بنام دولت رفاه شهرت یافته بود. بسیاری از امتیازاتی که به نیروی مبارزه طبقه کارگر در این کشور ها تثبیت شده بودند در این دوره مورد تعرض بورژوازی قرار گرفته اند. خدمات رفاهی عمومی، بیمه های اجتماعی، حقوق کودکان، آموزش، و...از این جمله‌اند.

بحران اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی روحیه مخالفت با ورود پناهندگان سیاسی و جویندگان کار را تشدید کرده و موجب سربرآوردن گروهها و دستجات راسیستی و نژادپرست گردیده است. این گرایشات در میان بخش های از مردم این کشورها طرفداران خود را پیدا کرده است. دولتهای حاکم با سیاستهای‌عملی و تبلیغات خود این موج را دامن میزنند و ناتوانیهای خود را در سروسامان دادن وضع اقتصادی بگردن مهاجرین خارجی میاندازند.

در عین حال رشد جنبش توده‌ای کارگران در همین دوره در این کشورها خواب های آشفته سرمایه‌داری

www.iran-archive.com

جهانی را آشفته تر کرده است و طی یک سال گذشته شاهد نمونه های درخشانی از مبارزه و مقاومت کارگری در برابر تعرض بورژوازی به معیشت و سطح زندگی کارگران بودیم .

۵ ـ کشورهای عقب مانده سرمایه داری

گرسنگی، فقر و فلاکت اقتصادی در کشورهای عقب مانده سرمایه‌داری جهان ابعاد بی‌سابقه ای یافته است و روزی نیست که زنجیره‌ای از آمارهای تکان دهنده از جانب کارشناسان بورژوازی و سازمان ملل در مورد شرایط دهشتناک زندگی صدها میلیون انسان در این کشورها انتشار نیابد. و این در حالی است که روزانه بطور متوسط ۲/۵ میلیارد دلار در سطح جهان صرف هزینه های تسلیحاتی و فراهم کردن ملزومات کشتار انسانها میشود.

دراین دوره فشار مراکز مالی بین المللی وابسته به قدرتهای امپریالیستی بر این کشورها موجب وخامت بیشتر اوضاع گردید و ابعاد فقر و محرومیت های اجتماعی بازهم گسترده‌تر شدو شکاف های طبقاتی عمیق تر گردید . اکثریت کشورهای فقیر تا خرخره در دام بدهی های سرمایه مالی بین المللی گرفتار آمده اند و دولت ها ناچار از اجرای نقشه های دیکته شده از جانب آنان می باشند.حجم بدهی ها اکنون به بیش از ۱۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است که کشورهای توسعه نیافته حتی قادر به بازپرداخت سود بانکی آن نیز در سر موعد مقرر نیستند. ایدئولوژی های "ضد امپریالیستی " بورژوازی ملی رنگ

www.iran-archive.com

باخته اندو نقشه های اقتصادی باصطلاح ملی و محلی برای صنعتی کردن وغلبه بر توسعه نیافتگی همگی به بن بست رسیده اند و حکومت ها در این کشورها بدون هیچ افق روشنی به دنباله روی از دستورات روزمره صندوق بین المللی پول روی آورده اند.

گسترش شهرها و رشد کمی طبقه کارگر در این کشورها در عین‌حال امکان آنرا فراهم کرده است که کارگران متشکل در سازمانهای صنفی و حزبی خود در تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور ها نقش تعیین کننده ای پیدا کنند . این نیروی اجتماعی مدرن که محصول رشد سرمایه داری در این کشورهاست در شرایط کنونی یگانه نقطه امید برای خارج ساختن این جوامع از بن بست عقب ماندگی و بیعدالتی و ستمگری‌است .

توده های محروم و جان بر لب رسیده‌ای که برای نجات از فلاکت و گرسنگی به ناچار به رویاروی با حکومتها و دیکتاتورهای حاکم دولتی کشیده میشوند. در غیاب وجود بدیلهای کارگری و سوسیالیستی نیرومند توهمات زیان‌بخش در میان توده ها سر بر می آورد و تقویت می شود. رشد بنیادگرایی اسلامی در کشورهای مسلمان نشین نمونه ای از این پدیده است که نظر به اهمیت آن جا دارد مورد تأمل بیشتری قرار بگیرد.

٦ ـ جنبش‌های اسلامی افراطی

بحران سیاسی و اقتصادی در کشورهای مسلمان نشین شمال افریقا و خاورمیانه هر روز عمیق تر میشود و

www.iran-archive.com

خروش نارضایتی و اعتراض بر علیه دولتهای حاکم در این کشورها هر روز رو به گسترش .. پایه های قدرت دولتهای حاکم در مراکش، الجزیر، مصر، یمن و اردن و... در بحبوبه این بحران به لرزه افتاده است. بورژوازی حاکم در این کشورها در کوتاه مدت هیچ راه حلی برای خاموش کردن این آتش روبه گسترش در پیش رو ندارد. ناسیونالیسم عربی که در طول مدت بیست سال جنگ جهانی دوم رهبری جنبش اعتراضی مردم ناراضی را در دست داشت و به همین اعتبار در بسیاری‌از کشورها نیز توانست قدرت را بدست بگیرد نشان داد که قادر به ارائه هیچ راه حلی برای ایجاد تحولی در زندگی مردم زحمتکش نیست و امروز دیگر به هیچ عنوان نمی تواند توده های مردم ناراضی عرب را به دور خود جمع کند. این گرایش که بر مبنای ملی گرائی عربی در مقابل غرب و آمریکا قد علم کرده بود اکنون مدتهاست که خود را با مصالح اقتصادی و سیاسی ایالت متحده آمریکا در منطقه هماهنگ کرده است.

رشد شهر نشینی و گسترش روزافزون جمعیت فقیر و از روستا کنده‌شده حاشیه شهرها ،افزایش شدید فشارهای طبقاتی و غرق شدن بورژوازی و دولت‌هایشان در فساد هرچه بیشتر، زمینه شورش‌ها و به‌حرکت درآمدن مردم به‌جان آمده‌را بیش از پیش تقویت کرده‌است.

پراکندگی صفوف جنبش کارگری و ضعف حرکت سوسیالیستی کارگری که خود از طرفی محصول سالها دیکتاتوری و سرکوب کمونیستها در این کشورها و از سوی دیگر بقاء توهم بخش های از کارگران به رهبران

www.iran-archive.com

ناسیونالیست و به اپوزیسیون بورژوازی بوده است امکان نداده که طبقه کارگر آلترناتیو طبقاتی خود را برای ایجاد تغییرات اساسی در زندگی مردم زحمتکش عرضه کند.

احزاب کمونیست هم پیمان اتحاد شوروی سابق عملا به دنباله روان بدون اراده سیاست خارجی این کشور تبدیل شده بودند و پایه اجتماعیشان بسیار ضعیف شده بود.با فروپاشی اتحاد شوروی بیش از پیش به حاشیه رانده شدند و قدرت تاثیرگذاری خود را بر سیر رویدادهای‌سیاسی و اجتماعی کشورهای خود از دست دادند.

در چنین وضعیتی احزاب و گروههای اسلامی که میدان سیاسی را در این کشورها خالی می بینند فعالیتهای خود را گسترش دادند و نارضایتی و نفرت تودها را از وضع موجود به پشتوانه نیرومند کردن و پیشبرد جنبش اسلامی در این کشورها تبدیل می کنند. بدین ترتیب اسلام گرای افراطی مجال آن را می‌یابد که بر زمینه بحران سیاسی بورژوازی و فقر و فلاکت عمومی جنبش طبقاتی زحمتکشان این کشورها را به انحراف بکشد. شیوه ها و شعارهای آن را تغییر دهد و حکومت اسلامی را به مثابه پاداش عدالت خواهی کارگران و مردم تنیدست و زحمتکش به افق این جنبش ها تبدیل کند.

ایالات متحده آمریکا و کشورهای دیگر سرمایه داری پیشرفته در دوران جنگ سرد حرکتهای اسلامی را بعنوان سدی در برابر نفوذ اتحاد شوروی بکار می گرفتند و در عمل آنها را تقویت می کردند.دولت های بورژوائی منطقه به‌خاطر جلوگیری از رشد جریانات چپ و کارگری و

www.iran-archive.com

رادیکال به احزاب و گرایشهای اسلامی میدان می‌دادند و آنها را تقویت می کردند. دولت اسرائیل در گذشته، انور سادات در مصر، دولت ترکیه، شاه ایران و ... از آن جمله‌اند. اما اکنون که جنبش اسلامی از طرفی، این گونه خاصیت های خود را از دست داده است و از سویی دیگر موجودیت دولتهای حاکم هم پیمان آمریکا را در کشورهای مسلمان نشین به خطر انداخته است به ضدیت با جنبش اسلامی در این کشورها می پردازند. بدین ترتیب حرکت اسلامی در این کشورها رنگ و بوی مبارزه ضد آمریکا نیز به خود می گیرد و از این طریق نیز ظرفیتهای فریبکارانه خود را افزایش میدهد. هم اکنون این جنبش ها امکان آن را یافته اند که در خلاء ناشی از نبودن یک جنبش متشکل سوسیالیستی و کارگری بر علیه سرمایه داری، کنترل مبارزه برای سرنگونی دولتهای حاکم در این کشورها را بدست بگیرند.

جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر پشتیبان مادی و البته بخش معنوی بسیاری از این حرکت ها بوده است و این در حالی است که رژیم ایران طی ۱۵ سال حاکمیت سیاسی خود شرایطی حتی دشوار تر از زندگی در این کشور هارا به کارگران و مردم زحمتکش و تهیدست در ایران تحمیل کرده است و خود منشأ فقر و فلاکت بیشتر و محرومیت های اجتماعی و سیاسی گسترده تر و عمیق تری بوده است.

۷ ـ رقابتهای جهان سرمایه‌داری پس از جنگ سرد

www.iran-archive.com

کشمکش های درونی خانواده بورژوازی جهانی همواره منشأ جنگهای ویرانگر و تراژدی های دردناک در حیات بشر این عصر بوده اند. این مخاطرات در دوره کنونی نیز همچنان زندگی و دست آوردهای انسان را تهدید می کنند.

سالهای پس از جنگ سرد همزمان بود با مطرح شدن قدرتهای اقتصادی جدید در توازن قوای بین المللی. اروپای متحد، ژاپن و چین از آن جمله اند. ایالات متحده آمریکا که خود در راس برندگان جنگ سرد قرار داشت، در تلاش است که به هر قیمت شده از موقعیت خود در برابر رقبای جدید دفاع کند. در جبهه اقتصادی آمریکا در برابر اروپا و ژاپن آسیب پذیر است و تنها ضمانت بقاء آمریکا در رهبری جهان سرمایه داری در برتری و قدرت نظامی وی می باشد که امپریالیسم آمریکا برای تثبیت موقعیت خود فعالانه آن را بکار میگیرد. (نمونه جنگ خلیج) .

البته امپریالیسم آمریکا برای حفظ قدرت اقتصادی برتر خود هم به تکاپو افتاده است . امضاء قرارداد بازرگانی آزاد آمریکا شمالی (نفتا) با کانادا و مکزیک بخشی از این تلاش آمریکا برای ایجاد یک صف بندی قوی در برابر غولهای جدید جهان سرمایه داری است .

تلاش کشورهای اروپایی برای تحقق بخشیدن به وحدت اقتصادی اروپا که تحولات اروپای شرقی و اوضاع پس از جنگ سرد برای مدت کوتاهی آن را دچار وقفه ساخته بود از سر گرفته شد. تصویب قرارداد ماستریخت که هدف

www.iran-archive.com

نهائیش ایجاد وحدت در نظام پولی و سیاستهای خارجی و دفاعی کشورها اروپایی است بتدریج قطب اقتصادی نیرومند اروپا را در سالها آتی شکل میدهد.

گروهبندی اقتصادی بزرگ در حاشیه اقیانوس آرام با شرکت ژاپن، استرالیا، کره و چنارده کشور دیگر منطقه که در سال گذشته پایه گذاری شد زمینه ساز ایجاد قطب اقتصادی دیگری به رهبری ژاپن در این منطقه ازجهان است. هم اکنون ژاپن پیوندهای تجاری خود را با کشورهای جنوب شرق آسیا بیش از پیش تحکیم میکند و همه شواهد نشان میدهند که این کشور خود را از لحاظ اقتصادی برای رویارویی های بزرگ با آمریکا آماده میکند. هم اکنون نیز جنگ اقتصادی نیمه آشکار و نیمه پنهانی که بین آمریکا و ژاپن در جریان است نشانه‌ای از منازعه‌ای است که درچند سال اخیر رو به گسترش داشته است . از سوی دیگر ژاپن به تناسب قدرت اقتصادی خود خواهان بدست آوردن امتیاز و نقش موثرتری در سازمان ملل متحد و کسب کرسی عضویت دائمی در شورای امنیت این سازمان است. مشابه این درخواست مدتهاست که از جانبه آلمان متحد صورت گرفته است.

روسیه کنونی علیرغم اینکه بار شکست اتحاد جماهیر شوروی را در"جنگ سرد" بر دوش دارد اما از امکانات مادی بالقوه بزرگی برای سر برآوردن مجدد در رقابت های سیاسی و نظامی و اقتصادی جهان برخوردار است. این کشور هنوز بزرگترین زرادخانه اتمی جهان را در اختیار دارد و ازمنابع مادی عظیم طبیعی و انسانی در کشور پهناور روسیه بهره میگیرد.

www.iran-archive.com

۸ ـ دستگاههای تبلیغاتی بورژوازی از هم پاشیدن بلوک شرق را به مثابه پایان آرمانهای عدالت خواهانه سوسیالیستی و شکست کمونیزم جار زدند. اما واقعیت چه بود؟ نظام اقتصادی و سیاسی حاکم در این کشورها یا به عبارتی دیگر سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم، الگوی دیگری برای رشد اقتصاد سرمایه داری بود که از طریق برنامه ریزی مرکزی و کنترل دولتی بر اقتصاد برای دوره‌ای ملزومات انباشت سرمایه را در بلوک شرق فراهم کرده بود و اکنون دیگر ناتوانی و عدم کارآئی خود را در بیرون بردن سرمایه از بحران گریبانگیرش نشان داده بود و می بایستی جای خود را به مدل دیگری از رشد سرمایه دارانه اقتصاد بدهد.

اما معنای پیروزی غرب و واقعیات سیاسی و اقتصادی در کشور های بلوک شرق هر چه بود، انسان کارگر و زحمتکش نمی توانست از خواست انسانیش برای برخورداری از مواهب زندگی که با دستان خود خلقشان می‌کرد و از آرزوهای برابری طلبانه‌اش دست بردارد. جاروجنجال دستگاههای تبلیغاتی غرب و پزهای فیلسوف مابانه ایدئولوگ های سرمایه داری در نزد میلیاردها انسان تشنه آزادی و برابری واقعی چیزی جز یک تبلیغات وقیحانه جنگی تلقی نمی‌شد. مردم محروم و زحمتکش در تجربه مستقیم خود به عیان می‌دیدند که "بازارآزاد" نه تنها بشارت دهنده آزادی و رفاه و امنیت نیست، بلکه برعلیه آن و برای نابودی آن به کار افتاده است. روشنفکران لیبرال بورژوازی هم نتوانستند شعارهای دموکراسی ادعائیشان را به عنوان

www.iran-archive.com

آرمان تحقق‌یافته بشر جا بزنند. موج اعتصابات و تظاهرات گسترده کارگران در سال گذشته در کشورهای اروپای غربی و شرقی پاسخ طبقه کارگر بود به تعرض جدید بورژوازی به دست آوردها و معیشت این طبقه. این مبارزات یادآور ظرفیت های عظیم و توان مبارزاتی طبقه کارگر در نبردهای سرنوشت ساز آتی برای رهائی است . سوسیالیسم امروز هم چنان بعنوان راهی برای نجات انسان از وضعیت غیرقابل تحمل موجود گشوده است .

www.iran-archive.com

فصل دوم

اوضاع عمومی در ایران

www.iran-archive.com

مقدمه :

مردم خسته و زجردیده از جنگ ۸ ساله با توهم به اینکه رفسنجانی بر مبنای یک رهبری و سیاست معتدل قادر خواهد بود که خرابیهای دوران جنگ را بازسازی کند و سر و سامانی به زندگی اکثریت مردم بدهد به دولت رفسنجانی فرصت چند ساله ای دادند. اکنون همه آنها به خوش باوری خود پی برده اند و دولت رفسنجانی به اندازه کل رژیم اسلامی در نزد توده ها منزوی است. مردم ایران هیچ امیدی به بهبودی اوضاع تحت حاکمیت این رژیم ندارند و اعتصابات کارگری و شورشهای مردم

در گوشه و کنار کشور بازتاب گوشه هایی از این نفرت و بیزاری عمومی است. اما این تنها سرنوشت رفسنجانی و دولت او نیست که دستخوش بحران است، بلکه این کل دستگاه سیاسی بورژوازی حاکم در ایران و کل پروژه های اقتصادی رژیم اسلامی است که بیش از همیشه ناتوانی خود را برای نمایندگی کردن سرمایه داری ایران به نمایش گذاشته است و این یک ناکامی عمیق سیاسی برای این رژیم است. رژیم اسلامی هنوز هم نه از نظر سرمایه جهانی و نه از نظر مصالح دراز مدت سرمایه داری ایران رژیم مطلوبی نیست و این بحرانی است که گریبان جمهوری اسلامی را در طول ۱۵ سال که بر حکومتش می گذارد رها نکرده است.

دولت رفسنجانی در چند زمینه با ناکامی عمیق و گسترده ای روبرو است:

- برنامه توسعه اقتصادیش که برمبنای سیاستهای رایج صندوق بین المللی پول و بانک جهانی طراحی شده بود ناکام مانده است. بسیاری از مؤسسات و واحدهای تولیدی دولتی و نیمه دولتی که به معرض فروش گذارده شده بودند به فروش نرفتند. سرمایه داران داخلی همچنان نگران از بی ثباتی جامعه و نبودن حمایتهای حقوقی و اداری قابل تضمین ترجیح دادند که نقدینه‌های خود را تا اطلاع ثانوی در عرصه تجارت و معاملات پولی و بانکی بکار بیاندازند. ناتوانی در باز پرداخت به موقع وامها اعتبار رژیم را در نزد سرمایه گذاران خارجی به شدت پائین آورد و معاملات خارجی ایران را با رکود کم سابقه روبرو کرد.

www.iran-archive.com

ـ در زمینه روابطه خارجی سیاست عادی کردن رابطه با غرب که رفسنجانی در نزد قدرتهای غربی خود را پرچمدار آن وانمود می کرد، پیشرفتی حاصل ننمود و جمهوری اسلامی در دوران حکومت دولت رفسنجانی نتوانست به دوره انزوای سیاسی جمهوری اسلامی از این لحاظ پایان دهد. این در حالی بود که دولتهای سرمایه داری غربی بر این باور بودند که رفسنجانی بعنوان هموار کننده راه این تغییر سیاست دولت اسلامی، به قدرت رسیده است.

ـ اختلافات جناحهای مختلف درون جمهوری اسلامی کماکان بقدرت خود باقی است. کنار زدن پاره ای از حزب الهی های قدیمی از مجلس و دستگاههای دولتی انسجام مورد نظر رفسنجانی را بوجود نیاورد و اختلافات به اشکال دیگر بروز یافتند. و این در حالی است که هیچ مبنای حقوقی و حزبی مورد توافق هم بین آنها بوجود نیامد تا رژیم بتواند به شکل کلاسیک تری این اختلافات را در خود هضم کند. در دوران حکومت رفسنجانی جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته است گریبان خود را از چنگال این اختلافات رها کند بلکه بیش از گذشته در کام آن فرو رفته است و کشمکش های سیاسی آشکار و پنهان جناحها و باندهای حاکم همچنان ادامه دارد.

بگذارید این موقعیت را با تفصیل نسبتا بیشتر بررسی کنیم.

۱ ـ اقتصاد جمهوری اسلامی

در زمینه برنامه های اقتصادی رژیم از ابتدای انقلاب در سال ۱۳۵۷ تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ رژیم اسلامی یک الگوی اقتصاد نیمه دولتی نیم خصوصی را اجرا می کرد و سالهای جنگ را بدون هیچ گونه برنامه اقتصادی دراز مدت و حتی بودجه سالانه تحدید شده‌ای سپری کرد. سیاستهای اقتصادی رژیم در این دوره بر اساس همین الگو برای مقاطع زمانی کوتاه تدوین و به مورد اجرا گذاشته میشد. دوره اقتصاد جنگی برای جمهوری اسلامی دوره ای بود که در آن قسمت اعظم درآمدها صرف تسلیحات جنگی و پیشبرد امر جنگ میشد. صنایع داخلی با ظرفیتهای بسیار پائین گاهی تا ۲۰ درصد توان واقعی خود کار می کردند و بعضی از آنها بکلی تعطیل گردیدند. موج بیکارسازی کارگران همزمان با بسیج گیریها واعزام وسیع به جبهه های جنگ بود. شاخص های اصلی این دوره عبارت بودند از: رشد منفی تولید ناخالص ملی، رکود تولیدات داخلی ، تعطیل شدن بخش اعظم بنگاههای صنعتی و تولیدی، ته کشیدن ذخایر ارزی، فربه شدن دلالان، سفته بازان و معامله گران و در کنار آن گسترش فقر عمومی، بیکاری وسیع، گسترش محلات فقیرنشین حاشیه شهرها و ...

این دورد را رژیم با جیره‌بندی مواد اصلی مورد نیاز مردم و پیشبرد یک اقتصاد جنگی سپری کرد. پس از خاتمه جنگ در کنار طرح بودجه سالانه یک برنامه پنج ساله اقتصادی نیز برای بازسازی و توسعه اقتصادی عرضه گردید.

هدف اصلی نخستین برنامه پنجساله اقتصادی دولت

www.iran-archive.com

بازسازی ویرانیهای جنگ و راه انداختن دوباره چرخهای تولید داخلی عنوان شده بود. این برنامه بعنوان مجموعه‌ای از طرحهای مشخص و بودجه بندیها و اقدامات عملی و غیره البته تنها موضوعی بود بر روی کاغذ و دستگاه دولتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه قادر نبود که در چارچوب اولویتها و اعداد و ارقام این برنامه به کار خود ادامه دهد. با وجود این به هر حال سیاستهای مشخصی که این برنامه بر اساس آنها تهیه شده بود بر فعالیتهای اقتصادی رژیم ناظر بود. اما این سیاستها خود در واقع چیزی جز رهنمودهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نبودند که دولت رفسنجانی امید خود را برای پیشبرد برنامه اقتصادیش بر وعده های این مراکز پولی بین المللی سرمایه داری بنا کرده بود. براین اساس هدفهای اعلام شده برنامه پنجساله اقتصادی رژیم عبارت بودند از:

ـ فروش بنگاهها و موسسات تولیدی و خدمات عمومی به سرمایه داران داخلی و خارجی، تشویق و هموار کردن راه برای گسترش سرمایه های خارجی در ایران، خصوصی کردن سیستم توزیع و... .

کاهش مخارج دولت و کاهش کسر بودجه که منجر به حذف سوبسیدها و حذف بسیاری از تعهدهای دولت در مقابل جامعه در زمینه خدمات عمومی و تامینهای اجتماعی و...می گردید.

ـ آزاد کردن تجارت خارجی از طریق حذف قوانین دست و پاگیر، کاهش تعرفه های گمرکی، حذف سوبسیدها به منظور ایجاد رقابت بین کالا خارجی و داخلی .

www.iran-archive.com

اکنون با شاخص های عینی میتوان نشان داد همه این سیاستها که قرار بود به عمر اقتصاد نیمه دولتی خاتمه داده و پیوندهای اقتصادی ایران را با جریان بازار آزاد سرمایه داری جهانی محکم کند، با شکست روبرو شده است.

تا اواخر اردیبهشت ۱۳۷۲ از میان ۲۹۳ بنگاه و شرکت صنعتی که برای فروش به بورس تهران عرضه شده بودند تنها ۴۴ واحد از آنها بطور کامل بفروش رفته اند. کارخانه های تولیدی کهنه و فرسوده شده اند و بازده اقتصادی آنها بسیار پائین است و مدیریت آنها در سطح نازلی است. طبق ارزیابی های انجام شده از جانب برنامه ریزان رژیم، متوسط سن کارخانجات ایران ۱۸-۱۵ سال است. اکثریت قریب به اتفاق آنها در زمان رژیم سابق تأسیس شده اند که قاعدتاً از موعد باز سازیشان مدت زمانی نیز گذشته است. اما کارشناسان رژیم هزینه چنین برنامه ای را ۵۰-۲۵ میلیارد دلار برآورد میکنند کاری که به هیچ وجه در توان جمهوری اسلامی نیست و از طرف دیگر هیچ سرمایه داری حاضر نیست مشتی ماشین‌آلات کهنه را با پول نقد خریداری کند.

از حجم مخارج دستگاه اداری عریض و طویل فاسد نه تنها کاسته نشده بلکه بر آن اضافه شده است. تورم نه تنها مهار نشد بکله تا میزان ۷۰ درصد در سال بالا رفت و در مورد پاره ای از کالاها و در مقاطعی بمیزان چند صد درصد نیز افزایش یافت. درآمد پیش بینی شده دولت از محل فروش نفت که برای برنامه اول از ۱۸

www.iran-archive.com

میلیارد دلار درسال پیش بینی شده بود به ۸ میلیارد دلار تنزول کرد. در ابتدای برنامه اول دولت ۱۲ میلیارد دلار به بانکهای خارجی بدهکار بود که این میزان در پایان برنامه اول به بیش از ۳۵ میلیارد دلار رسیده است . عدم باز پرداخت به موقع اقساط این وامها موجب بی اعتباری بیش از پیش جمهوری اسلامی در معاملات اقتصادی بانکهای جهان شده است .

با آزاد شدن بازرگانی خارجی سرمایه لازم برای توسعه مراکز صنعتی و تولیدی بدست نیامد و تنها از این راه کالاهای مصرفی تولیدی خارج وارد رقابت با محصولات داخلی شدند.

بیشتر سرمایه گذاران داخلی، سرمایه خود را در عرصه پردرآمد معاملات تجاری و بازرگانی به کار انداخته اند و حاضر نیستند آینده سرمایه خود را در دراز مدت به آینده این رژیم گره بزنند.

بیکاری گسترده (بین ۲۰ تا ۳۰ درصد نیروی آماده به کار) و فقر عمومی قدرت خرید مردم را بیش از پیش کاهش داده. بازارها از کالاهای پر زرق و برق انباشته شده اند اما شمار مشتریان اندک است.

بحران سرمایه داری در کشورهای پیشرفته صنعتی و کمبود سرمایه در سطح جهان، کاهش اهمیت استراتژیک ایران برای غرب بدنبال سقوط بلوک شوروی موجب شده اند که بنگاههای نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اشتیاق زیادی به کمک به کاهش و از بین بردن بحران اقتصادی جمهوری اسلامی از خود نشان ندهند.

بی‌ثباتی سیاسی و نوسان در تصمیم گیری ها، تعدد

www.iran-archive.com

مراکز قدرت و ناروشن ماندن تکلیف جدال جناحهای درون رژیم، نبودن امنیت قضایی، حقوقی و اقتصادی از نگرانیهای اصلی سرمایه گذاران خارجی و داخلی است. آنها چهارچوبهای حقوقی و ایدئولوژیک اسلام را در کنار عدم اطمینان به آینده خود رژیم برای سرمایه خود به اندازه کافی نگران کننده می بینند که فعلا و تا اطلاع ثانوی سودجویی خود را در ایران در محدوده تجارت و بازرگانی محدود سازند. نگرانی دولتهای غربی و در راس آنها آمریکا از گسترش اسلام گرایی افراطی که جمهوری اسلامی ایران را یکی از مشوقها و منبع الهام آن می دانند موجب شده است که اهرمهای فشار معینی را کماکان برای کسب امتیاز و تعدیل سیاستهای رژیم در این زمینه فعال نگاه دارند. اینها دلایل عمده سیاسی ناکامیهای اقتصادی رژیمند.

www.iran-archive.com

۲ ـ دیپلماسی و سیاست خارجی

در عصر جهانی شدن اقتصاد و سیاست سرمایه داری، کشورهای توسعه نیافته در نقشه و محاسبات قطب های امپریالیستی اهمیتی بسیار بیش از گذشته پیدا کرده اند. ایران نیز از این قاعده عمومی مستثنا نیست. بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی و موقعیت بین المللی آن از این زاویه اهمیت دارد.

روابط با آمریکا: اگرچه طی سالهای اخیر دولت آمریکا هیچگاه مراودات اقتصادی خود را و حتی در

مواردی تامین تسلیحاتی ایران را متوقف نکرده است اما با وجوداین هنوز در سطح سیاسی شاهد بقای تنش های بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا هستیم و آنچه که قابل مشاهده‌است این واقعیت است که دولت آمریکا فشارهای معین و کنترل شده ای را برای تعدیل سیاستهای جمهوری اسلامی در همه زمینه ها به کار گرفته است. هدف این سیاستها جلوگیری از قدرتمند شدن نظامی و سیاسی ایران، کوتاه آمدن جمهوری اسلامی از تشویق اسلام گرایی افراطی در منطقه، منطبق شدن از لحاظ حقوقی و ایدئولوژیک با نیازهای سرمایه جهانی است. در عین حال بزرگنمائی خطر جمهوری اسلامی ایران در نزد همسایگان عرب منطقه راهی برای سرکیسه کردن دولت های عربی و توجیه خریدهای کلان نظامی آنان از آمریکاست.

روابط با دیگر کشورهای غربی: رقابت های آشکار و پنهان اروپا، آمریکا و ژاپن در سطح جهانی برای جمهوری اسلامی نیز فرصت های معینی را بوجود آورده است و رژیم می‌کوشد در لا بلای شکاف‌های موجود بین مراکز قدرت سرمایه جهانی برای خود جائی باز کند واز این راه فشارهای امریکا را تا حدودی خنثی نماید. اما با وجود این مشکلات اقتصادی ایران و بویژه ناتوانی آن در بازپرداخت وامهایش، وضعیت جهان سرمایه داری صنعتی و بحران عمومی اقتصادی آن، همه اینها موجب احتیاط دولتهای اروپایی در گسترش روابط اقتصادی خود با جمهوری اسلامی میگردد. و این واقعیت امکان بهره برداری جمهوری اسلامی ایران را از این تضادها بسیار محدود کرده است. جمهوری اسلامی بویژه در دوره دولت

www.iran-archive.com

رفسنجانی تلاشهایی را برای بهبود مناسبات با غرب آغاز کرد اما این تلاشها با مانع اختلافات و تضادهای داخلی رژیم روبرو شد و بی نتیجه ماند.

روابط با کشورهای همسایه ایران : در زمینه بهبود مناسبات با کشورهای همسایه نیز جمهوری اسلامی با ناکامیهای عدیده‌ای روبرو است. گسترش رابطه با کشورهای آسیای مرکزی نیازمند به کار انداختن سرمایه و تکنولوژی و روابط اقتصادی پر منفعتی با این کشورها است که جمهوری اسلامی به هیچ وجه ظرفیت آن را ندارد. در رابطه با دولت ترکیه مسئله اسلام گرائی در ترکیه و رقابت در آسیای مرکزی محورهای اختلاف دو دولت را تشکیل میدهند. هم نوایی این دو دولت بر علیه حکومت محلی کردستان استثنائی است که به دلیل مصالح عاجل مشترک در این دوره شکل گرفته است. مناسبات با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به بهانه اشغال جزایر تنب کوچک و بزرگ همچنان متشنج است و تا زمانی که نگرانیهای این کشورها و بویژه عربستان سعودی از سیاستهای جمهوری اسلامی در خارج از مرزها وجود داشته باشد بنظر نمی رسد که هیچ کدام از طرفین خیال مصالحه‌ای بر سر این موضوع را داشته باشند. رقابت با عربستان سعودی برای نفوذ در نیروهای اپوزیسیون در کشورهای اسلامی ادامه دارد و رابطه دو کشور بویژه بر سر رفتار حجاج ایرانی در عربستان همچنان تیره است. در عین حال عربستان همراه با دیگر کشورهای نفتی عرب در منطقه در هماهنگی با سیاستهای امریکا از طریق افزایش حجم تولیدی نفت خود موجبات سقوط بیشتر

www.iran-archive.com

قیمت نفت را فراهم کرده اند که این نیز بر تیره تر شدن رابطه افزوده است. نگرانیهای دولت مصر و دیگر کشورهای شمال افریقا از رشد اسلام گرایی افراطی در کشورهایشان از عادی شدن رابطه آنها با جمهوری اسلامی جلوگیری می کند.

بعنوان یک جمعبندی میتوان گفت، امیدهایی که در میان دولتهای غربی به میانه روی رفسنجانی وجود داشت اکنون نقش بر آب شده است. و همه میدانند که جنگ قدرت در درون دستگاههای حکومتی جمهوری اسلامی نخواهد گذاشت که هیچ فرد و یا جناحی به سادگی پشتیبانی دولتهای غربی را به پشتوانه تحکیم موقعیت خود تبدیل کند. از اینرو کماکان باید گفت که جمهوری اسلامی در یک انزوای بین المللی از لحاظ روابط دیپلماتیک خود بسر می برد.

www.iran-archive.com

۳ ـ سیمای عمومی زندگی در ایران

الف ـ استبداد سیاسی: در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی کماکان هرگونه فعالیت سیاسی و حزبی مخالف با جمهوری اسلامی ممنوع است. تشکل های سیاسی و صنفی مستقل از رژیم همگی به تعطیل کشیده شده‌اند و فعالین آنها زندانی، شکنجه و یا اعدام شده اند. رژیم اسلامی از این لحاظ یکی از نمونه های منحصر به فرد در همه جهان است. زیرعنوان "مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب" از هرگونه خلاقیت فکری و فرهنگی و هنری جلوگیری میشود و نشریاتی که طی سالهای اخیر توانسته اند به

تدریج پوششهایی برای بعضی از فعالیتهای ادبی و هنری مستقل پیدا کنند به شدت تحت فشار قرار دارند. حمله به زنان آزادهای که در برابر تحقیرها و توهین های ماموران رژیم و تحمیل حجاب اجباری مقاومت می کنند هنوز بصورت یکی از ابزارهای گترش جو خفقان آور و ارتجاعی در جریان است.

اما جامعه ایران با همه اینها جامعه ای زنده است و جمهوری اسلامی هیچ دستاوردی را بدون درهم شکستن مقاومت مردم معترض بدست نیاورده است. در ایران هنوز نشریاتی وجود دارند که در کشمکش دائمی با اداره سانسور و با محدودیتهای عملی جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه میدهند و چنانچه به شکلی تعطیل شده اند با نامی دیگر و بصورتی دیگر فعالیتهای خود را از سر میگیرند.

ب ـ وضعیت زندگی کارگران : بار همه بحران و نابسامانی اقتصادی رژیم قبل از هر کس بر دوش طبقه کارگر ایران سنگینی می کند. تعطیل بنگاههای صنعتی که به دلیل غیر سودآور بودن و یا کم بودن ارز و نرسیدن مواد مورد نیاز و قطعات یدکی و فرسودگی و غیره منجر به بیکار شدن صدها هزار کارگری شده است که سالها در این واحدها کار کرده اند. اکنون بیکاری بنا به اعتراف خود مسئولان رژیم تا میزان ۲۵ درصد نیروی آماده و جویای کار را تشکیل می دهد. بنا به آمارهائی که در نشریات علنی در ایران انتشار یافته است از ۲۵ میلیون نیروی کار بالقوه در ایران تنها ۱۲ میلیون نفر شاغل هستند. اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که فرد

www.iran-archive.com

بیکار معمولا سرپرستی خانواده‌ای راهم بعهده دارد، آنوقت ابعاد واقعی مصائب ناشی از بیکاری آشکار تر می‌شود. این توده وسیع بدون هیچگونه تامین اجتماعی در دام گرسنگی، بیماری و بی مسکنی رها شده‌اند. در مورد کار زنان باز بنا بر همین منابع در کشور ۶۰ میلیونی ایران تنها ۹۷۰ هزار زن شاغل وجود دارد.

میزان حداقل دستمزد که مبنی محاسبات مربوط به دستمزد و حقوق کارگران مشمول قانون کار است حدود ۳۰۰ تومان در روز تعیین شده است که قرار است با توجه به رشد تورم برای سال ۷۳ حدود ۲۰ درصد افزایش یابد. و این در حالی است که رشد تورم در ایران نه سالانه ۲۰ درصد بلکه ماهانه ۲۰ درصد و حتی بیشتر است و هیچکدام از مقامات رژیم در گفت و شنودهای شفاهی جرات نمی کنند که رقم آن را مثلا کمتر از ۷۰ درصد در سال اعلام کنند. افزایش روزبه روز قیمت و دستمزد ناچیز عرصه را بر کارگران و مردم زحمتکش و کم درآمد بیش از همیشه کم کرده است. بیسارند کارگران شاغلی که ناچارند خسته و کوفته از کار طاقت فرسا در روزهای تعطیل و یا ساعات شبانه کار دیگری را هم از دستفروشی و دکه داری گرفته تا رانندگی و پادویی و نگهبانی شبانه و غیره دست و پا کنند.

ج ـ مسکن: مسکن یکی از بزرگترین مشکلات گریبان گیر کارگران و مردم کم درآمد در ایران است. آمارهای زیر از منابع جمهوری اسلامی گویای وضعیتی است که در این زمینه وجود دارد

www.iran-archive.com

طبق آخرین سرشماری رسمی در ایران ۱۱۶۰۰۰۰۰ خانوار وجود دارند و مجموعا ۷۷۴۰۰۰۰ واحد مسکونی وجود دارد. این آمار واحدهای مسکونی روستائی را نیز شامل میشود که در واقع بیش از نیمی از جمعیت ایران را در خود جای داده اند. بدین ترتیب حدود ۴ میلیون خانوار ایرانی که اساسا در شهرها زندگی می کنند فاقد مسکن اندو اگر حدمتوسط هر خانوار را هم پنج نفر در نظر بگیریم در این صورت حدود ۲۰ میلیون نفر از مردم ایران در حلبی آبادها و حصیرآبادها و آلونک های حاشیه شهر ها زندگی می کنند. محلاتی که در هیچ آماری به حساب نمی آیند. اگر این واقعیت را هم در نظر بگیریم که کل جمعیت شهرنشین ایران رقمی در حدود ۲۷ میلیون نفر است آنوقت به عظمت فلاکتی که در این زمینه وجود دارد پی میبریم. این واقعیت که گرانی سرسام آور اجاره خانه که ۶۰ تا ۷۰ درصد کل حقوق کارگران و درآمد خانواده را می بلعد، خود به خوبی خبر از حال و روز خانواده های تهیدستی که به هر حال سرپناهی برای خود در داخل شهرها اجاره کرده اند می دهد.

د ـ بهداشت و درمان :

مطابق آمارهای رسمی دولتی تعداد افراد تحت پوشش بیمه های درمانی ۳۳۰۳۹۰۹ نفراست. در عین حال یادآوری این نکته نیز لازم است که دفترچه های بیمه درمانی در بسیاری از مراکز پزشکی ایران اعتبار

www.iran-archive.com

چندانی ندارد و هر روز از تعداد پزشکان و بیمارستان هائی که حاضر به قبول این دفترچه‌ها هستند کاسته می‌شود.

ـ در ایران برای هر ده هزارنفر بین یک تا دو پزشک وجود دارد. این رقم در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تا ۲۵ برابر است ، در حالیکه نیاز به پزشک در این کشورها به دلیل رفاه بیشتر و سطح بهداشت بالاتر بسیار کمتر نیز هست . برای هر هزار نفر در ایران یک تخت بیمارستانی وجود دارد. در کشور های پیشرفته این رقم بیش از ده برابر است.

ـ بیشتر دارو های ضروری کمیاب اند. سوبسیدی که در این زمینه پرداخت می‌شد بطور کلی حذف گردیده است و گرانی سرسام آور دارو در یک سال اخیر قابل مقایسه با هیچکدام از اقلام دیگر مایحتاج کارگران و مردم تهیدست و کم درآمد نیست .

ـ میلیونها نفر از مردم زحمتکش در حاشیه شهرهای بزرگ (برای نمونه تنها در حاشیه شهر تهران حدود ۴ ملیون نفر) زندگی می‌کنند و از آب آشامیدنی سالم، از امکانات حداقل برای پاکیزه نگهداشتن محیط زیست،در محیطی آلوده به انواع میکرب‌های امراض عفونی بدون درمانگاه و پزشک،محروم اند.در همان حال بخش بزرگی از جمعیت روستائی ایران در شرایط مشابهی بسر می برد و بعنوان مثال نزدیک به ۲۵ درصد روستاها از آب آشامیدنی سالم محروم اند.

ه ـ آموزش و پرورش : در زمینه آموزش و پرورش

قبل از هرچیز این واقعیت دردناک را بایستی یادآوری کرد که طبق آمارهای رسمی اعلام شده ۴۰ درصد مردم ایران بیسوادند. اما رقم واقعی بیش از این است و تا میزان ۵۰ درصد یعنی نیمی از جمعیت ایران در دام بیسوادی اسیراند.

جمعیت ۱۷/۵ میلیون نفری دانش آموزان ایران نیز با مشکلات و کمبودهای متعددی روبرور هستند. مدارس دو شیفته و یا سه شیفته، فضای آموزشی محدود، کمبود معلم و اخراج هزاران معلم در سال گذشته برای کاهش هزینه دولت، کمبود کتاب و وسائل کمک آموزشی ازجمله آنیا هستند. از سوی دیگر گنجاندن مباحث ضد عملی و خرافی در کتابهای درسی و ایجاد فضای ارتجاعی از طریق اجبارهای منصبی، حجاب و پوشش اسلامی، جداسازی غیر انسانی پسران و دختران در محیط مدرسه، مدارس ایران را بصورتی مکانی آزار دهنده برای میلیونها جوان و نوجوان ایرانی درآورده است. ظرف دو سال گذشته به دلیل مشکلات فوق یک ملیون و هشتصد هزارکودک واجب التعلیم از تحصیل محروم شده اند. فرزندان طبقات دارا امکان یافته اند تا در شمار زیادی از مدارس خصوصی که در سالهای اخیر اجازه تأسیس یافته اند فارغ از این مشکلات با بهره گیری از معلمان باسابقه، فضای آموزشی دلپذیر و امکانات پیشرفته به تحصیل بپردازند.

محیط های دانشگاهی هم از این لحاظ وضع بهتری ندارند. در مجموع با احتساب دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی حدود یک میلیون نفر در دانشگاهها و آموزشگاههای عالی به تحصیل اشتغال دارند. در اینجا هم

www.iran-archive.com

نبودن آزادی علمی، محتوای آموزش را بشدت تنزل داده است و فضای ارتجاعی مذهبی عرصه را در این محیط بر دانشجویان آزاده تنگ نموده است. برای ورود به دانشگاه داوطلبان بایستی چند بار از صافی مذهبی و وفاداری به رژیم بگذرند. چهل درصد از سهمیه دانشگاهها مستقل از وضعیت تحصیلی آنها به بسیجیان داده شده است. شمار انسانهای آزاده ای که میتوانند علیرغم این موانع به دانشگاهها راه یابند اندک است و به هرحال این دروازه‌ای است که به روی فرزندان مردم کارگر و زحمتکش هرگز باز نبوده است.

در باره آینده سیاسی ایران

رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست با روشها و سیاست های تاکنونی به مقابله با وضعیتی که شرح آن رفت بپردازد و بروز تغییراتی در حاکمیت سیاسی ایران اجتناب ناپذیر شده است. در این زمینه امکانات و احتمالات متعددی را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. از وقوع یک رشته تغییرات در ساختارهای سیاسی حکومت فعلی و تغییراتی که به‌تدریج چهره رژیم را از یک حاکمیت مذهبی با کادرها، قوانین، و مبانی ایدئولوژیک خاص خود به رژیمی مطلوب تر بحال بورژوازی ایران، و منعطف تر در برابر دولت های امپریالیستی عوض کند تا بروز یک کودتای نظامی از جانب ارتش، سپاه پاسداران، و یا هر دو برای سرعت بخشیدن به چنین روندی، تا سقوط رژیم در نتیجه گسترش نارضایتی و

www.iran-archive.com

اعتراضات عمومی و شکل گیری بدیل هائی از جناحهای مختلف اپوزیسون رژیم، وقوع هر کدام از اینها در وضعیت سیاسی فعلی ایران محتمل بنظر میرسد. واقعیت این است که تا آنجا که به منافع توده های کارگر و زحمتکش در ایران بر میگردد به هیچ تحولی که جناحی دیگر از بورژوازی ایران را به حکومت برساند و یاچهره همین رژیم را برای جهان سرمایه داری مطلوب تر گرداند نمی توان امیدی داشت . تنها از طریق گسترش جنبش اعتراضی کارگری و رادیکال توده ای است که می توان امید داشت که جناح چپ سوسیالیست و کارگری جامعه ایران به نیروی اجتماعی مؤثر و غیر قابل حذفی در جدال های سیاسی اتی بر سر قدرت سیاسی تبدیل شود و با نیروی مبارزه انقلابی خود توازن قوای سیاسی و اجتماعی مساعد تری را بنفع کارگران و مردم زحمتکش بدست بیاورد. تحقق چنین هدفی بدون فراهم کردن زمینه های شکل گیری یک وحدت کارگری و سوسیالیستی فراگیر در این جبهه ممکن نیست و این کاری است که حزب کمونیست ایران می تواند به سهم خود در تدارک آن بکوشد.

www.iran-archive.com

٤ ـ جنبش کارگری

www.iran-archive.com

الف ـ نگاهی به تاریخچه این جنبش بعد از انقلاب ۵۷

جنبش کارگری ایران طی سالهای انقلاب ۵۷ و پس از آن فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. در یک نگاه گذرا به این جنبش می توان مراحل مختلفی را در سیرحرکت تاکنونی آن مشاهده کرد.

طبقه کارگر ایران در انقلاب ۱۳۵۷ نیروی اجتماعی نیرومندی بود که پایه های رژیم شاهنشاهی را به لرزه درآورد. اعتصابات بزرگ کارگری در آن دوره با خواستها و مطالبات رادیکال و سیاسی نشانه بیداری سیاسی این طبقه در مقیاس اجتماعی بود. طبقه کارگر در

آن دوره قدرت مبارزه خود را آزمود و بیش از همه تاریخ نیم قرن اخیر تجربه سیاسی و مبارزاتی اندوخت. جمهوری اسلامی در سالهای بعداز آن تمام ظرفیت های ارتجاعی و تمام توان سرکوب خود را به کار گرفت تا نگذارد این نیروی بیدار شده آرمانهای مستقل سیاسی و طبقاتی خود را پی بگیرد. موج دستگیریها و اعدامها و اخراجهای فعالین کارگری ، متلاشی کردن شوراهای کارگری، الغای کمیته های کنترل کارگری، قلع و قمع خونین کمونیستها، همگی با این هدف دنبال می شد. در هنگامه این تعرض بورژوازی اسلامی به تشکلها و دستاوردهای مبارزاتی کارگران بود که جنگ ایران و عراق آغاز شد و به مدت ۸ سال این جنگ در صحنه داخلی بعنوان ابزاری بر علیه طبقه کارگر و مبارزات حق طلبانه اش بکار گرفته شد. تعطیل کارخانجات و بیکارسازیهای وسیع، اعزام کارگران به جبهه ها و غیره همگی جنبش کارگری ایران را در متن یک مبارزه و کشمکش و مقاومت هر روزه که به صورت اعتصابات و اعتراضات متعدد بروز می‌یافت، از موقعیت و مواضع بدست آمده اش عقب راند.

طی ۸ سال رژیم جنگ را عامل نابسامانی وضع کارگران قلمداد می کرد و پس از پایان جنگ با وعده و وعیدهای جدیدی پا به میدان گذاشت. قانون کار را سرانجام به تصویب رساند و در مجموع این توهم را دامن زد که گویا خاتمه جنگ خاتمه فقر و فلاکت و بی حقوقی طبقه کارگر نیز هست. اما پس از گذشت حدود یک سال کارگران نه تنها هیچ نشانه ای از بهبود وضع خود

www.iran-archive.com

نیافتند بلکه برعکس موجی از حملات تبلیغاتی از زبان آخوندها برعلیه خواستها و مطالبات کارگری از نو براه افتاد. در مقابل اعتراضات و اعتصابات کارگری دوباره سربلند کردند و ماههای نخست پس از مرگ خمینی وقفه کوتاهی در این سیر روبه رشد بود.

سیاستهای جدید اقتصادی رژیم مبنی بر فروش کارخانجات به بخش خصوصی، تعطیل بخشهای غیر سودآور، تعدیل نیرو کار(که معنای عملیش اخراج کارگران بود) . همگی خطر بیکاری روزافزون را بالای سر کارگران نگاه میداشتند و مسئله بیکاری را به نگرانی اصلی کارگران تبدیل کرد. گرانی روزافزون کالاها و حذف سوبسیدها نیز کارگران را به سوی مبارزه برای افزایش دستمزد سوق میداد. با این همه بیکاری روزافزون و فقر شدید تاثیرات منفی خود را بر جنبش کارگری ایران باقی گذاشته است. بیکاری وسیع در این دوره نقش مبارزه کارگران در خارج کارخانه و کارگاه، در محلات کارگری و فقیرنشین حاشیه شهرها را برجسته تر کرده است و در شورش های دو سه ساله اخیر در شهرهای بزرگ کارگران نیروی عمده اعتراض و خشم توده ای را تشکیل میدادند .

ب ـ مبارزات جاری :

مبارزات کارگری بطور بسیار محدودی انعکاس خبری روبه بیرون پیدا می کنند. مطبوعات علنی در ایران از این لحاظ به دقت مورد کنترل و سانسور قرار دارند و آنچه هم که در نشریات اپوزیسیون در خارج از ایران

www.iran-archive.com

منتشر میشود بدون شک تنها گوشه کوچکی از واقعیتی است که جریان دارد. از این رو صرف اتکاء به آن نمی تواند ما را به یک ارزیابی دقیق از عمق و دامنه مبارزات جاری کارگران ایران برساند. اما در کنار این اطلاعات محدود، ما شاهد مجموعه‌ای از عکس العمل های تلنی رژیم و دستگاههای مختلف آن هستیم که هر کدام به نوبه خود بازتاب اعلام نشده مبارزات واقعی کارگری و نشانه نگرانیهای جدی رژیم از رشد و گسترش این مبارزات می باشند. بعنوان مثال مباحثات دوره گذشته قبل از تصویب قانون کار، در مجلس و در وزارت کار و در جراید وابسته به رژیم بخوبی ابعاد واقعی مبارزه طبقه کارگر برای جلوگیری از تحمیل قراردادها و قوانین ضد کارگری را نشان میداد. این مباحثات انعکاس دل‌مشغولیها و مبارزه کارگران ایران بر سر قانونی بود که بعدها میبایستی روابط کارگر و کارفرما و دولت بر اساس آن تنظیم شود. مضافا که اخبار گوشه هایی از مبارزات جاری بر سر این مسئله هم به بیرون درز می کرد.

بر همین قیاس، بحثهای سال گذشته بر سر مسئله تعیین حداقل دستمزد و تصمیمات و اظهارات ضد و نقیض مسئولان مختلف جمهوری اسلامی که در این باره در مطبوعات رسمی انعکاس می یابد و بازتاب اعتراضات و مبارزات پراکنده اما وسیعی بر سر مسئله دستمزد در ایران است. مسئله تغییر موادی از قانون کار و دادن جهت های ضد کارگری بیشتری به آن که وسیعا مورد بحث و اظهار نظر در مجلس و در مطبوعات قرار میگرفت باز

نشانه موج مقاومتی بود که طبقه کارگر ایران در این زمینه در سال گذشته از خود بروز میداد. تصویب قانون ممنوعیت اعتصاب نشانه سیر روبه گسترش اعتصابات و اعتراضات در مراکز کارگری بود. سیاستهای متزلزل و بی ثبات در زمینه حذف سوبسیدها و برداشتن کنترل دولتی از قیمتها، بازتاب مقاومتهای جدی طبقه کارگر ایران در مقابل سیاستهای اقتصادی رژیم است.

گذشته از معیاری که فوقا از آن صحبت شد، نفس اخباری که با همه محدودیتهای آن به بیرون درز می کند نشانه وجود یک جنبش روبه رشد کارگری در ایران است. جمعبندی این اخبار که بسیاری از آنها در نشریات حزبی مانیز انتشار یافته اند نشان میدهد که بعنوان مثال در سال ۱۳۷۲، مبارزه حول مطالبه افزایش دستمزد، اعتراض به اخراج و بیکارسازی، اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، عدم تامین سرویس ایاب و ذهاب، بیمه و درمان، امکانات شهری و رفاهی در محلات کارگری، وسیع بوده است. اشکال این مبارزات بر طبق همین اخبار، بصورت اعتصاب، تحصن در کارخانه و کارگاه، تظاهرات و راهپیمایی، انتخاب نماینده و شکایت به ارگانهای دولتی، فرستادن طومارهای اعتراضی و غیره بوده است. علاوه بر این در سال گذشته شاهد چندین مورد از شورشها و اعتراضات گسترده شهری در محلات فقیرنشین شهرهای بزرگ ایران تهران، تبریز، قزوین، کرمانشاه، زاهدان و... بودیم.

ج - تشکل و سازمانیابی :

طبقه کارگر ایران در طول حیات خود جز در مقاطع کوتاهی آنهم در مقیاسی محدود فاقد تشکل و سازمان ادامه کار و علنی بوده است . در دوره حیات جمهوری اسلامی نیز سرکوب و خفقان حاکم در ایران و قوانین جاری به تشکیل رسمی هیچگونه تشکل مستقلی میدان نداده است از اینرو امروز نیز در ایران طبقه کارگر فاقد هرگونه تشکیلات کارگری سراسری و یا محلی موثری است . تجمع در فضای کارخانه و کارگاه، تجمع در محلات کارگری و روابطی که به تبع آن بصورت محافل در میان خانواده های کارگری بوجود آمده است تنها ظرفیتهای ابراز وجود طبقه کارگر را تشکیل میدهند.

رژیم جمهوری اسلامی که شور و شوق کارگران را در سالهای ۵۷، ۵۸ و ۵۹ برای سازمانیابی و متشکل شدن در شوراهای کارگری به چشم دیده بود و از شکل گیری سازمانهای وسیع کارگری هراسناک بود، بسرعت بدیل شوراهای اسلامی و انجمن های اسلامی کارخانه را در برابر این میل شدید کارگران به تشکل و سازمانیابی قرار داد. اما شوراهای اسلامی که ارگانهای دست آموز دولت و کارفرمایان بودند خیلی زود در میان کارگران منزوی شدند و نقش ضد کارگری آنها در کارخانه ها برای کارگران روشن شدو امروز بصورت شبکه های ابزار کار کارفرمایان و مدیران درآمده اند.

سالهای طولانی جنگ ایران و عراق، اعزام اجباری به جبهه ها، اخراجهای دستجمعی، ترور و کشتار و زندانی کردن فعالین کارگری، تاثیرات منفی دراز مدتی بر مبارزه کارگران برای تشکیل سازمانهای مستقل صنفی خود

www.iran-archive.com

بر جای گذاشتند. با همه اینها امروز شکل گرفتن سازمانهای مستقل کارگری، آرزوی هر کارگری است و تبلیغ بر سر این امر که ضرورت سازمانیابی و تشکل را به کارگران ایران یادآوری کند کار بیهوده و نالازمی است. آنچه که مهم است یافتن راههای عملی برای سازمانیابی کارگری در دل شرایط موجود و نیز مبارزه گسترده برای غلبه بر استبداد سیاسی حاکم بر ایران است تا مجال گسترش این سازمانها فراهم شود.

همین جا لازم است به یک نکته مهم در رابطه با برخورد دوره گذشته ما به مسئله تشکلهای کارگری اشاره شود. در حزب ما تقابلی بر سر بحث شورا و سندیکا دامن زده شد که در دنیای واقعی و در میان کارگران ایران هیچ گاه چنین معضلی وجود نداشت و این تقابل ساخته و پرداخته ذهنیتی روشنفکرانه در باره کارگر و مبارزه کارگری و سازمانیابی کارگری بود. این مسئله خود جای بحث جداگانه‌ای است که در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

ما در تشکیل هر سر پناه سازمانی که در تناسب قوای موجود امکان شکل گیری آن موجود باشد و از کارگر و حقوق وی در برابر تهاجم سرمایه و دولت دفاع کند، فعالانه بایستی شرکت کنیم. شوراها و اتحادیه ها هر کدام در سنتهای مبارزه تاکنونی طبقه کارگر جهانی و در مقاطع و شرایط مختلف وجود داشته اند و سنگر مبارزه طبقاتی کارگران بوده اند. در عین حال که در یک ارزیابی تاریخی مشخص میتوان نشان داد که در چه مقاطعی چنین ارگانهایی نتوانسته اند پیگیرانه در صف

www.iran-archive.com

مقدم مبارزه کارگران باقی بمانند اما با همه اینها متعلق به تاریخ واقعی مبارزه طبقاتی کارگران هستند. و طبقه کارگر بعنوان یک طبقه نمیتواند خود را از سنتها و تاثیرات تاریخ واقعی زندگی مبارزاتیش دور بگیرد. از این رو قبل از هر چیز در این باره بایستی خود را از دام ذهنیت واژگونه" تقابل سندیکا و شورا" رها کنیم و در حد توان خود به امر سازمانیابی طبقه کارگر یاری برسانیم که در آن هم سنت شورا و هم سنت سندیکا بعنوان تاریخ این جنبش طبقاتی وجود دارند.(۱)

(۱)ـ مطابق آمار منتشر شده در سال ۱۳۷۰ از جانب مرکز آمار ایران ، کل کارگاههای صنعتی در ایران ۲۹۷۳۷۴ واحد می باشند که بیش از ۹۶ درصد آن یعنی ۲۸۶۵۶۴ واحد آن کارگاههای کوچکی هستند که بین یک تا نه نفر کارگر در آن به کار اشتغال دارند. در این سال کل کارگران شاغل در واحدها و کارگاههای صنعتی ۱۳۶۹۷۵۵ نفر بوده اند که ۱۱ درصد کل کارگران شاغل آن سال را تشکیل میدادند .

عرصه های دیگر کار کارگران در ایران به ترتیب عبارتند از : کار کشاورزی (شامل شرکتهای سهامی زراعی . واحدهای مکانیزه خصوصی ، واحد های کوچک روستائی)، کارگاههای پراکنده ساختمانی ، کارگاههای کوچک ثبت نشده خانگی ، ازجمله شمار زیادی از قالی بافها و غیره می باشد. آمارها نشان میدهند که پراکندگی در واحدها و کارگاههای کوچک خصلت اصلی

www.iran-archive.com

مبارزه طبقاتی کارگران و سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی طی سالهای پس از انقلاب، وجود طیفی از رهبران کارگری که در این سالها با کاردانی و هوشیاری در متن تناسب قوای موجود به فعالیت خود ادامه دادند و وجود بخشی قابل توجه ای از کارگران سازمانیافته در تولید بزرگ صنعتی در ایران، وجود واقعی گرایشات سوسیالیستی رادیکال در میان کارگران، همه اینها زمینه ها و امکان فعالیت کمونیستی و وحدت بخش را در میان کارگران ایران فراهم ساخته است و حزب کمونیست ایران چنانچه ظرفیتهای خود را برای دخالت موثر در سرنوشت جنبش کارگری ایران ارتقاء دهد، می تواند به نقط امیدی برای جنبش سوسیالیستی کارگری در تحولات سیاسی آینده جامعه ایران تبدیل شود.

www.iran-archive.com

فصل سوم

سازمان محل کار و زیست در ایران

.....

جمعیت کارگری در ایران است. درهمان حال قریب به ۶ میلیون نفر از افراد آماده به کار بیکارند.
دقیق شدن در این آمارها غیر واقعی بودن مباحثه" تقابل شورا و سندیکا" را بیشتر آشکار می‌سازد.

www.iran-archive.com

فصل چهارم

اوضاع سیاسی در کردستان ایران و عراق، جهت‌گیریهای فعالیت حزب در کردستان ایران

www.iran-archive.com

الف ـ کردستان ایران:

قبلا اشاره کردیم که رژیم جمهوری اسلامی از هر لحاظ در وضعیت نابسامانی بسر می برد و برای حل معضلاتی که پیش رو دارد راه چاره ای ندارد. ادامه این شرایط بقای این رژیم را به صورت کنونی آن بیش از همیشه به زیر سئوال برده است. تشدید بحران سیاسی در ایران و بروز جنبش ها و اعتراضات توده ای بر علیه رژیم در مقیاس سراسری رویدادی قابل انتظار است. همانطورکه بارها نیز در این باره گفته ایم هر نوع بی ثباتی در

ارکان دولت مرکزی، جامعه کردستان را به علت وضعیت سیاسی خاص آن در شرایط متفاوتی قرار خواهد داد.

احزاب سیاسی در کردستان ایران این ظرفیت سیاسی و اجتماعی را یافته اند که در چنین شرایطی به سرعت خلاء ناشی از نبودن قدرت مرکزی را پر کنند و اشکالی از حاکمیت محلی را در این منطقه سازمان دهند. حزب کمونیست ایران که از طریق تشکیلات کردستان خود بخشی از واقعیت فوق است می تواند بر سیر این رویداد تاثیر آگاهانه و مثبتی به نفع توده های کارگر و زحمتکش و امر آزادی در کردستان بگذارد. در این رابطه مسائل فراوانی وجود دارند که بایستی از هم اکنون پاسخ مناسب خود را از جانب ما دریافت دارند:

ـ از چه راهنمائی و از طریق کدام سیاست های عملی می توان جنبش توده‌ای اعتراضی برعلیه جمهوری اسلامی را گسترش داد؟ ظرفیت های مبارزاتی بالقوه نیرومندی در کردستان وجود دارد که بکارافتادن آنها رژیم جمهوری‌اسلامی را در کردستان در منگنه قرار خواهد داد. حرکت های اعتراضی و مطالباتی کارگری، جنبش های مقاومت و اعتراضی در محلات فقیرنشین حاشیه شهرها، مقاومت جوانان در برابر فشارهای روزمره و دیکتاتوری مذهبی، حرکت های برابری طلبانه در میان زنان، و نظایر آن اجزاء یک جنبش عمومی عظیمی خواهند بود که بدون شک عرصه را بر رژیم در کردستان تنگ خواهند کرد. مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ که بعنوان راهی در برابر جوانان و زحمتکشان مبارز گشوده است. در شرایط فعلی چگونه و با چه تاکتیک هائی براه خود در

www.iran-archive.com

خدمت نیرومندتر ساختن جنبش انقلابی و تسهیل پیروزی آن ادامه خواهد داد؟ همه اینها در فعالیت عملی ما در همین دوره بایستی پاسخ های خود را گرفته باشند و یا بگیرند.

ـ نهادها و اشکالی که توده های کارگر و زحمتکش را قادر سازد با اتکاء به نیروی طبقاتی خواسته های خود را به صدر مطالبات و اهداف جنبش توده ای بیاورند کدامند و چگونه و طی چه پروسه ایجاد و تحکیم میشوند؟ بدون فراهم ساختن امکان ابراز وجود اجتماعی کارگران در کردستان نبایستی انتظار داشت که احزاب بورژوائی تنها در مقابل فشارهای سازمانی ما از مواضع سیاسی و طبقاتی خود عقب نشینی کنند. جنگ و درگیریهای سازمانی بین ما و احزاب ملح ناسیونالیست، در غیاب وجود چنین نهادهای توده‌ای اجتناب ناپذیر و فاجعه بار خواهد بود. اما پی ریزی چنین نهادهایی اعم از سندیکاها و یا شوراهای کارگران و زحمتکشان و ... اولا بوجود شبکه های حزبی در میان کارگران و پیوند با شمار قابل توجهی از رهبران و افراد سرشناس و قابل اعتماد در میان آنان گره خورده است (که ارتباط گیری و سازمان دهی آن کار امروز ما است و بایستی کار زمینه سازی برای شکل گیری آنها را بدون وقفه و با جدیت به پیش برد و آمادگی های لازم را برای بهره‌گیری از شرایط مساعدی که بوجود خواهد آمد کسب نمود.) و ثانیا گسترش آنها به شرایط سیاسی و تناسب قوای مبارزاتی در کردستان و وضعیت دولت مرکزی بستگی دارد.

www.iran-archive.com

ـ پاسخ به مسائل مشخصی که در فردای از بین رفتن و یا حتی ضعف حکومت مرکزی بلافاصله در برابر ما قرار خواهند گرفت از قبیل تنظیم رابطه با احزاب سیاسی دیگر کردستان، شرایط ما برای شرکت در اشکال ائتلافی حاکمیت ، پاسخ ما به مسئله معیشت روزانه مردم در شرایط غیر متعارفی نظیر محاصره اقتصادی و غیره، دفاع از دستاوردهای جنبش توده ای در مقابل تجدید سازمان و تهاجم مجدد دولت مرکزی و..

ـ کومه له طی سالهای مبارزه در کردستان در مقاطع مختلف با مسائلی مشابه آنچه که فوقا اشاره شد در مقیاسی ولو محدود روبرو بوده است و تجارب و سنت های ارزنده ای در همه این زمینه ها وجود دارد که به ما در کسب آمادگی بیشتر برای روبرور شدن با مسائل دوره آینده کمک خواهد کرد. "کاری که ما در روزهای پیشروی جنبش توده ای و از بین رفتن قدرت دولت مرکزی خواهیم کرد در بدو امر از هم پاشاندن و اضمحلال نیروهای مسلح و ارگانهای سرکوبگر رژیم است و بلافاصله فراخوان تشکیل شوراهای‌مردم را در محلات ، کارگاهها و کارخانه ها، شهرها و مناطق روستائی خواهیم داد و نیروی سازمانی خود را برای تشکیل عملی آنها بسیج خواهیم کرد. از طریق شوراها اقدام به تسلیح همگانی و بسیج قوا برای دفاع از دست آوردهای قیام توده ای و جلوگیری از تجدید قوا و تجدید سازمان ارتجاع سرنگون شده خواهیم کرد و کنترل این نیرو را به شوراهای منتخب مردم خواهیم سپرد. بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان. قانون کاردموکراتیک و نیز برنامه های

www.iran-archive.com

رفاهی، اقتصادی و فرهنگی خود را به شوراهای منتخب مردم عرضه خواهیم کرد و برای تبدیل شدن آنها به قانون ناظر بر اداره جامعه تلاش خواهیم نمود و .....".

کومه‌له در مقابل مطالبات عمومی و معضلات اجتماعی کردستان از قبیل مسئله ملی، مسئله آزادی های سیاسی، مسئله زمین و دهقانان فقیر، مسئله زنان، مسائل جوانان دارای موضع و عملکرد روشنی است. بیانیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان بیان جامعی از خواستها و مطالبات اقشار تحت ستم جامعه کردستان است. این بیانیه مبانی تبلیغ و تلاشهای عملی و سازمانی ما برای جلب اقشار محروم و تحت ستم جامعه به صف مبارزه کارگران است.

در قبال مسئله ملی، اولا: کار سیاسی و روشنگرانه ما برای خنثی کردن ناسیونالیسمی که احزاب بورژوائی با ابزار های مختلف تبلیغی، سیاسی و فرهنگی خود در بین توده‌ها اشاعه‌می دهند بایست پیگیرانه دنبال شود وبکوشیم که سوسیالیسم و آرمانهای طبقاتی توده های کارگر و زحمتکش در صدر مسائل جامعه کردستان قرار گیرد، ثانیا از طریق گفتگو با احزاب دیگر کردستان که خواهان رفع ستم ملی هستند برای رسیدن به توافق بر سر یک راه حل و پلاتفرم واحد در این زمینه تلاش بشود. با روشنگری و تبلیغ سیاسی فعال اهمیت و مطلوبیت این سیاست برای توده‌های مردم کردستان توضیح داده شود و مطالبه چنین توافقی به خواست اکثریت مردم نیز از احزاب سیاسی اپوزیسیون رژیم در کردستان تبدیل گردد. اما در هر حال ما بایستی مواظب توطئه ها و دست

www.iran-archive.com

اندازیها هم باشیم که از طریق آن رژیم مرکزی بخواهد با نشان دادن نرمش در مقابل احزاب دیگر و جلب آنها تناسب قوا را به زیان جریان رادیکال و سوسیالیستی تغییر دهد. کم کردن زمینه این گونه توطئه گیریها و خنثی کردن دائمی آن یکی از وجوه مهم سیاست عملی ما خواهد بود.

در قبال مناسبات با احزاب بورژوائی و اداره جامعه کردستان: ما بر سر اداره جامعه کردستان و شکل و شیوه حاکمیت با این احزاب تفاوتهای اساسی داریم و از این لحاظ درست در قطب مخالف آنها قرار خواهیم گرفت. اما حل و فصل این مسئله موضوع مبارزه طبقات در جامعه کردستان است. ما نمی خواهیم نیرویهای سازمانها و احزاب به اصطلاح به نیابت از جانب طبقات رودروی هم قرار بگیرند و توده ها ناظر و نگران منتظر نتیجه این کشمکش‌ها باشند. مبارزه طبقاتی بایستی واقعا مبارزه طبقات باشد و البته مبارزه طبقات هم سنتها، ابزارها، شکل و شیوه پیشبردش اجتماعی و طبقاتی است. ما تمام توان سیاسی خود را به کار خواهیم گرفت که طبقه کارگر و توده های زحمتکش از چنان شرایط آزادانه ای در جامعه بهره مند باشند که در آن بتوانند با نمایش اراده متشکل خود بورژوازی کرد را در همه سنگرهای خود وادار به عقب نشینی کنند. تثبیت حق تشکل، حق اعتصاب، حق برگزاری تظاهرات و تشکیل متینگها، حق انتشار روزنامه، حق فعالیت آزادانه حزبی و غیره و غیره توده های کارگر و زحمتکش را قادر خواهد ساخت که به میزان نیروی بیدارشده و

www.iran-archive.com

سازمان یافته اش خواسته ها و مطالبات سیاسی و اقتصادی خود را به کرسی بنشانند.

ب ـ کردستان عراق

۱ ـ آینده حاکمیت سیاسی در کردستان عراق بستگی زیادی به سیاست غرب و بویژه سیاست ایالات متحد آمریکا در قبال مسائل این منطقه دارد. محورهای اصلی سیاست آمریکا در مورد عراق عبارتند از: جلوگیری از تجدید سازمان یک دولت قوی در خاورمیانه ـ بویژه اگر چنین دولتی از سابقه خصومت با آمریکا و گردنکشی در برابر قدر قدرتی این کشور نیز برخوردار بوده باشد. و سرکیسه کردن دولت های نفتی عرب منطقه با استفاده از تهدید عراق. از این رو مسئله ادامه محاصره اقتصادی عراق و تداوم فشار سیاسی بر حکومت آن بستگی به درجه اطمینان آمریکا از حصول قطعی چنین هدفی دارد. بهرحال تا زمانیکه آمریکا و متحدین غربی بخواهند کردستان عراق را بعنوان یکی از ابزارهای فشار بر دولت مرکزی عراق به کار گیرند شکل فعلی حاکمیت سیاسی دوگانه و پر از تشنج بین دو حزب سیاسی اصلی کردستان عراق حفظ خواهد شد و در غیر اینصورت چنانچه حل و فصل مسائل این منطقه به توازن قوای نیروهای محلی آن (دولت عراق و احزاب ملح کرد) واگذار شود. پس از یک دور کشمکش سیاسی و احتمالا نظامی سرانجام مسئله در پشت میز مذاکره و در گفتگوهای سیاسی دنبال خواهد شد.

www.iran-archive.com

۲ ـ دلایل متعددی وجود دارند که نشان میدهند رویدادهای کردستان عراق روبه سوی تجزیه این کشور ندارند و تشکیل کردستان مستقل از شانس بسیار کمی برخوردار است. این دلایل را می توان چنین خلاصه کرد:

مخالفت شدید دولت های ترکیه و ایران در کنار دولت عراق و کشورهای عربی با چنین رویدادی. با توجه به اینکه حفظ انسجام و وحدت دولت ترکیه و هماهنگی با سیاست های این دولت به دلیل اهمیت استراتژیکی که کماکان حفظ این دولت برای غرب و آمریکا در منطقه دارد، دولت آمریکا منافع خود را با مصالح محلی دولت ترکیه هماهنگ خواهد کرد و سیاستی در پیش نخواهد گرفت که برای آینده دولت ترکیه مسئله ساز و مشکل آفرین باشد. مضافا دولتهای ترکیه و ایران هر دو از امکانات وسیعی برای تحت فشار گذاشتن و به شکست کشانیدن دولت محلی در کردستان عراق برخوردارند و هم اکنون نیز آن را به کار گرفته اند و در آینده در صورت تداوم این وضعیت این فشارها را افزایش نیز خواهند داد.

ـ نیروهای ناسیونالیست محلی که به هر حال تشکیل کردستان مستقل هدف آرمانی و اعلام نشده آنها را تشکیل میدهد. فاقد آن چنان نیرو و اعتماد به نفسی هستند که بتوانند علیرغم سیاست غرب و آمریکا، هدف مستقل خود را به پیش ببرند و آنها را در مقابل امر واقع قرار دهند و بدین ترتیب اهداف خود را به دولتهای بزرگ نیز تحمیل کنند.

ـ محاصره اقتصادی کردستان و فقر و فلاکت اقتصادی

www.iranarchive.com

شدید و تداوم ناامنی و بی ثباتی وضعیت سیاسی و اجتماعی. مردم کردستان عراق را خسته و فرسوده کرده است. مردم گرسنه اند و از حاکمیت احزاب ناسیونالیست نیز در این دوره دل خوشی ندارند. این احزاب قدرت بسیج خود را از دست داده اند. مردم بشدت خواهان آرامش و ثبات در اوضاع هستند و از راه حل و بدیلی جانبداری می کنند که در کوتاه مدت به جنگ داخلی و ناامنی، به محاصره اقتصادی و بیکاری و بی سر وسامانی اوضاع پایان دهد.

۳ ـ بیکاری و فقر شدید جنبش توده‌ای کارگران و زحمتکشان کردستان عراق را به رکود کشانیده و روحیه صبر و انتظار و جستجوی راه حل های فردی را برای نجات از گرسنگی در میان توده های زحمتکش بشدت رواج داده است. حزب و گروههای چپ در کردستان عراق در این دوره نتوانسته اند پایگاهی در میدان توده های کارگر بیابند و فرصت و زمینه های مساعدی را که در این چند ساله برای ایجاد یک بدیل نیرومند رادیکال و سوسیالیست وجود داشته است از دست داده اند. این احزاب و گروهها یا به دنباله روی عملی از احزاب ناسیونالیست کشیده شده اند و یا بصورت گروههای کوچک و منزوی از مردم درآمده اند و عملا نقشی در شکل دادن به آینده سیاسی کردستان و بیرون آوردن توده های کارگر و زحمتکش از وضعیت فعلی ندارند. با همه اینها تجربه سیاسی این دوره بسیاری از توهمات توده ها را نسبت به احزاب ناسیونالیست زایل کرده و گرایش سیاسی چپ و رادیکال از زمینه ها و امکان سربلند کردن

www.iran-archive.com

و نیرومند شدن کاملا برخوردار است.

www.iran-archive.com

فصل پنجم

رئوس سیاست و جهت‌گیریهای ما
در فعالیت‌های خارج کشور

www.iran-archive.com

در باره کار ما در خارج کشور، نکته مورد تاکید ما در اینجا ضرورت تحکیم سازمان حزبی درخارج کشور است.

اعضاء حزب کمونیست ایران در خارج کشور بخشی از فعالین عرصه های مختلف فعالیت سیاسی چپ ایران در دو دهه اخیر هستند. اکثریت قریب به اتفاق آنان در متن یک مبارزه پر تب و تاب سیاسی در ایران و در کردستان تجربه اندوخته اند و از ظرفیت های مبارزاتی

بالقوه بالائی برخوردار هستند. متشکل شدن و متشکل ماندن این فعالین در یک سازمان جدی و فعال حزبی حول اهداف مبارزاتی روشن و تعریف شده‌ای در خارج از کشور سیاستی است که بایستی پیگیرانه دنبال شود. بدیهی است که تشکیلات خارج کشور نیز همچون همه بخش‌های دیگر حزب به همان اهداف و سیاست‌هائی خدمت می‌کند که کل حزب کمونیست ایران برای پیشبرد آنها تشکیل شده است. وبر همین مبنا هم کار ما در خارج کشور دارای سیاست ها و روشهای ویژه‌ای است که رئوس آن در قطعنامه ای به همین منظور به تصویب کنفرانس خارج کشور رسیده است. این قطعنامه در خطوط کلی سیاست و جهت گیری‌های آن کماکان اصولی و معتبر است و می‌تواند راهنمای فعالیت ما در دوره آتی نیز باشد. اهدافی نظیر: جلب پشتیبانی و همبستگی برای جنبش کارگری ایران، حمایت از فعالین کارگری و چپ تحت تعقیب و آزار، اعمال فشار دائم بر جمهوری اسلامی و استبداد سیاسی آن در ایران، برگزاری آکسیون های مختلف در این موارد، در ارتباط بودن و زندگی کردن با جنبش کارگری در کشورهای محل اقامت، شرکت در مبارزه موجود ضد نژادپرستی و ضد راسیستی در اروپا و کشورهای پیشرفته دیگر، تلاش برای معرفی و شناساندن حزب کمونیست ایران از طریق پخش نشریات حزبی و استفاده از ابزارهای امروزی ارتباط جمعی به این منظور و غیره و غیره که بارها بیان شده اند ابهامی در مورد سیاست ها و اهداف مبارزاتی مشخص ما در خارج کشور باقی نمی گذارند. ابزارها و روشهای معین سازمانی برای پیشبرد

www.iran-archive.com

این اهداف می‌توانند در هر دوره باتوجه به تجارب مشخص می توانند مورد ارزیابی و بازبینی مجدد قرار گیرد و پافشاری خاصی در مورد آنها موجود نیست. آنچه که در دوره آتی برای ما از اهمیتی حیاتی برخوردار است قبل از هر چیز بالابردن سطح توقعات و انتظارات حزب از کمیت و کیفیت فعالیت تشکیلات خارج کشور به‌طور کلی و تک تک اعضاء حزب به‌طور اخص است. بدون یک سازمان حزبی جدی و منظبط که اعضاء آن به کاری که انجام می‌دهند عمیقا دلبستگی داشته باشند، نمیتوان به پیشرفت اهداف و سیاست های مورد اشاره در قطعنامه کنفرانس هیچ امیدی داشت. در حال حاضر قبل ازآنکه گسترش چنین سازمانی برای حزب کمونیست ایران مورد نظر باشد، محکم کردن آن ضروری است.

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

اطلاعیه پایانی کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که کنگره چهارم حزب کمونیست ایران در روزهای نیمه‌اول تیرماه سال جاری با شرکت نمایندگان منتخب تشکیلاتهای حزب، تعدادی ناظر و مهمان برگزار گردید. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به خاطر بزرگداشت یاد جانباختگان جنبش کارگری و کمونیستی آغاز به کار کرد.

در ابتدای کار گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی حزب به کنگره ارائه شد و به پرسش‌های حاضرین پیرامون آن پاسخ داده شد. آنگاه نمایندگان و حاضرین به بحث و اظهار نظر در باره نکات متنوع مطرح شده در گزارش پرداختند. در این مبحث رویدادهای سیاسی چند ساله اخیر و مسائل مهم جهان در شرایط حاضر، اوضاع سیاسی و سیمای عمومی زندگی در ایران، مسائل سیاسی منطقه فعالیت حزب، وضعیت جنبش کارگری در ایران، مورد اظهار نظر و ارزیابی قرار گرفتند. گزارش عرصه‌های مختلف فعالیت حزب، جهت‌گیری‌ها و دورنمای کار در هر کدام از آنها، در ادامه همین مبحث بررسی گردید. گزارش سیاسی کمیته مرکزی به تصویب کنگره رسید و قرار شد که کمیته مرکزی جدید، ترتیبات انتشار علنی آنرا فراهم نماید.

آنگاه کنگره وارد دستور برنامه حزب شد و در این مبحث ابتدا ضرورت تغییر برنامه کنونی حزب مطرح شد و سپس پیش‌نویس سندی که به همین منظور از

www.iran-archive.com

جانب "کمیسیون تدوین برنامه و پلاتفرم سیاسی جدید حزب" تهیه شده بود، به بحث گذاشته شد. این موضوع بیشترین وقت کنگره را به خود اختصاص داد و سرانجام کلیات سند پیشنهادی به تصویب رسید و کمیسیونی از جانب کنگره مامور شد تا متن نهایی آنرا طی ماههای آینده آماده کند و برای تصویب به کنفرانسی که به همین منظور دعوت خواهد شد، ارائه دهد.

بحث آینده سیاسی ایران و جهت‌گیری‌ها و برنامه عمل مشخص حزب کمونیست در این رابطه یکی دیگر از موضوعات دستور جلسات کنگره بود که با هدف دادن تحرک سیاسی بیشتر به حزب در قبال مسائل سیاسی فوری پیشاروی جامعه ایران، طرح شد و جهت‌گیری‌ها و وظایف مشخصی در این مورد به تصویب رسید.

نشریات حزبی و طرح تغییراتی در مورد فرم و محتوای آنها از موضوع‌هایی بود که در کنگره مورد بحث قرارگرفت و پیشنهادهایی در این باره به کمیته مرکزی آینده حزب ارائه گردید.

زیر عنوان تشکیلاتهای حزب، مسائل مشخصی که در رابطه با فعالیت ما در کردستان، خارج کشور و تشکیلات مخفی در ایران وجود دارند مورد بحث قرار گرفتند و قرارهایی به منظور بهبود کار در این عرصه‌ها به تصویب رسیدند.

اساسنامه حزب و بحث پیرامون ضرورت تغییراتی در آن یکی دیگر از مسائل در دستور کنگره بود. دراین باره بحث‌های با ارزشی صورت گرفت، اما هرگونه تغییری در این باره به کنگره بعدی حزب موکول گردید.

مضمون مباحثات کنگره در آینده نزدیک از طریق رادیوها و نشریات حزبی، انتشار خواهدیافت. کنگره در آخرین بخش کار خود ۱۸ نفر از کادرهای حزب را، بعنوان کمیته مرکزی آینده حزب انتخاب نمود و پس از ۸ روز کار فشرده در یک فضای جدی و رفیقانه به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

تیرماه ۱۳۷۳

www.iran-archive.com

پیام کنگره چهارم حزب کمونیست ایران به کارگران ایران

کارگران!
مردم زحمتکش !

امروز زندگی مردمی که با کار و زحمت خویش برای به چنگ آوردن قوت لایموت جان می‌کنند زیر سایه جمهوری اسلامی تحت منگنه‌ای طاقت‌فرسا و جانکاه قرار گرفته‌است. فاصله سرگیجه‌آور میان درآمد و هزینه‌های این بخش از جامعه چون دره‌ای سهمگین زندگی مردم بی‌پناه را می‌بلعد. این جامعه‌ای است که در آن همه‌چیز حتی جان آدمی را می‌شود در ازای پول تصاحب کرد، جامعه‌ای که در هر کشوری دو ملت کارگر و سرمایه‌دار و در بطن هر شهری، دو دنیای متفاوت داراها و ندارها را می‌آفریند. این سیمای رقت‌آور سرمایه‌داری است که ریای آخوندی نیز نتوانست آن را پوشیده دارد.

این واقعیت را که آسایش جماعتی اندک در جامعه به بهای محرومیت و بی‌حقوقی توده‌ای عظیم تامین می‌شود، اکثریت گسترده‌ای بطور روزمره تجربه می‌کنند. همگان شاهدند که جمهوری اسلامی ورای هر لباسی که به تن کرده‌باشد و بهر زبانی که سخن بگوید چگونه برای جلب رضایت سرمایه‌داران داخلی و خارجی حاضر است هرگونه تضمینی بدهد و مبالغ هنگفتی را صرف پروژه‌هائی کند تا سرمایه به بار نشیند و سرمایه‌دار به ناز و نعمت برسد. اما

آنگاه که صحبت از تامین ابتدائی‌ترین و حیاتی‌ترین نیازمندیهای مردم کارگر بمیان می‌آید دولت و رئیس جمهورش یاد صرفه‌جوئی‌های اقتصادی می‌افتند و درس ریاضت‌کشی به مردم می‌دهند. و امروز از سیاست تعدیل اقتصادی نیز فقط گرانی سرسام‌آور نصیب این مردم می‌گردد.

اینگونه سالهای رنج و محنت، عمر این مردم محروم و شریف را به تباهی می‌کشانند. توگوئی این مردم برای این زاده شده‌اند تا همسرایان نغمه حسرت باشند! اساس و خوشی‌های زندگی را برای دیگران فراهم سازند و خود فقط تماشاگر باشند و بس در این جامعه آسایش و دسترس به زندگی مناسب و در شان انسان برای این مردم جز در عالم رویاها دست‌یافتنی بنظر نمی‌رسد.

چه بسا اگر گوش شنوائی وجود می‌داشت که طاقت فرسائی ساعتهای طولانی کار، درد جانکاه خجلت پدر و مادری را که مجبور است بهر خواهش کوچک فرزندانش شرمگینانه پاسخ رد دهد، می‌شنید؛ اگر فریاد رسی وجود می‌داشت تا بار سنگین و کمرشکن هزینه‌های زندگی بخور و نمیر را با چشم همدردی نظاره می‌کرد؛ و اگر حداقل قانونی و قدرتی وجود داشت که عملکرد سوداگران جان و مال انسانها را که حرص ثروت‌اندوزیشان حد و مرزی نمی‌شناسد، کنترل می‌کرد؛ شاید این جان‌کندنهای شبانه‌روزی رنگ زندگی انسانی بخود می‌گرفت و شاید خودکشی‌های خانوادگی که هر از چند گاهی نفسها را در سینه حبس می‌کند، دیگر تکرار نمی‌شد.

ناگفته پیداست که اگر کارگران سندیکاها و شوراهای واقعی خود را بجای شوراهای پوشالی می‌نشاندند، می‌شد حرف و خواست کارگر و زحمتکش را به نیروی اراده و قدرت سازمان‌یافته‌اش به کرسی نشاند و جلو آنانی را که نان بی‌حقوقی کارگر را می‌خورند، گرفت، اگر نمایندگان واقعی کارگران مجریان روباه‌صفت خانه کارگر را بیرون می‌انداختند، آنها دیگر نمی توانستند تقلاهای بر حق کارگران را برای افزایش دستمزدهایشان تحت عنوان جنگ درصدها به باد تمسخر بگیرند و خاک به چشم کارگران بپاشند، اگر قانون کاری با شرکت نمایندگان کارگران سراسر کشور تدوین می‌شد که هیئت های کارگری اجرای آن را نظارت می‌کردند، آنگاه کارفرمایان خصوصی و دولتی اینگونه براحتی جرئت

نمی کردند به بهانه های واهی کارگران را چون انسانهای زائد به خیابان بریزند و هر کس را که صدای اعتراضش بلند شود یا به گوشه زندان انداخته و یا نان و آبش را قطع کنند؛ و اگر نمایندگان واقعی کارگران به تجمعات بین المللی کارگران راه می یافتند تا کوس رسوائی این رژیم اهریمنی را به گوش جهانیان برسانند و صدای اعتراض خود علیه بی عدالتیهای نظام سرمایه داری را در کنار همرزمان خود بلند کنند، آنگاه نه جمهوری اسلامی و نه هیچ کس دیگری قادر نمی شد فریاد حق طلبی و آزادیخواهی طبقه کارگر را زیر منگنه خفقان و دیکتاتوری وحشیانه خفه کند.

مبارزه و حرکات اعتراضی کنونی جامعه کارگری می رود که به همه اینها جامعه عمل بپوشاند تا دیگر بیش از این مردم کارگر تبعه درجه چندم جامعه محسوب نشوند و کسی نتواند بنا به مصلحت قدرت و دارائی خویش، نماینده و سخنگو برایشان بتراشد. سرکوب جمهوری اسلامی نیز پیش از این قادر نخواهد بود حرکت حق طلبانه مردم زحمتکش را متوقف نماید، گسترش نهضت کارگری نیروی عظیم و تکان دهنده مردم محروم را برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی همراه خود به حرکت درخواهد آورد.

کنگره چهارم برای ما فرصتی بود تا بار دیگر تعلق عمیق حزب خود را با جنبش اجتماعی طبقه کارگر با شفافیت تمام بیان کنیم، علیرغم یاوه سرائی های آنانکه بحران نظام اجتماعی بلکوک شرق را همچون فرصتی طلائی بکار گرفتند تا فاتحه آرمان سوسیالیستی را بخوانند و بانگ پایان تاریخ مبارزه طبقاتی را سر داده و بقاء سرمایه داری را جشن بگیرند، ما کماکان با ایمانی راسخ وفاداری خود به آرمان سوسیالیسم و پایبندی خود به مبارزه در راه رهائی و رفاه مردم کارگر و زحمتکش را با بانگی رسا اعلام می کنیم، حزب و سیاست ما همواره در جهت تقویت همبستگی کارگران خواهدبود. امر ما و مبارزه ما از مبارزه کارگران جدائی ناپذیر است.

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

مصاحبه نشریه " جهان امروز " با
عبداله مهتدی
در باره کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

www.iran-archive.com

س ـ در اطلاعیه پایانی کنگره از نکات متعددی بعنوان دستور جلسه نام برده شده است. یکی از این مواد برنامه حزب است که بنظر می‌رسد از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. باین لحاظ بجاست اگر ابتدا باین مساله بپردازیم که اصلا تغییر برنامه چه لزومی داشت.

ج ـ بحث لزوم برنامه اصلا بحث جدیدی که صرفا مربوط به این دو سه ساله اخیر باشد نیست، هر چند که نظر ما راجع به ابعاد و دامنه این تغییر و در کل نگرش ما به قضیه طی این دوره البته فرق زیادی کرده است.

سابقه این بحث در واقع به قبل از کنگره دوم حزب، که در سال ۶۴ برگزار شد، برمی‌گردد. از همان موقع روشن بود که برنامه حزب دارای کمبودها و اشکالاتی است و بعضا فرمولبندیهایی دارد که مورد قبول خود ما نبودند و لذا باید تغییراتی می‌کرد. معهذا نه آنموقع کار زیادی در این رابطه شد و نه بعدها، در کنگره سوم و پس از آن، بدلائلی که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد، این مساله پیگیری شد و در دستور قرار گرفت. نهایتا در کنفرانس

حزبی که در تابستان سال ۷۱ در دوره بازسازی حزب کمونیست برگزار شد، در واقع برای اولین بار تصمیم گرفته شد که کار بر روی اصلاح برنامه در دستور قرار بگیرد. منتها بخاطر وظایف و اولویتهایی که بناگزیر و بخاطر شرایط خاصی که آنموقع حزب در آن بسر می‌برد در مقابل ما قرار داشت، تا یکسال پس از کنفرانس هم نتوانستیم کار جدی و متمرکز روی این مساله بکنیم. آنچه کنگره چهارم در رابطه با برنامه عرضه شد، در واقع ماحصل یک کار چند ماهه بیشتر نبود.

اما اگر بخواهم در این فرصت کوتاه، و با پذیرش ریسک درجه‌ای سوء تعبیر ناشی از اختصار به سوال شما راجع به لزوم تغییر برنامه پاسخ بدهم، باید باین نکات اشاره کنم :

۱ ـ تصویر برنامه از جهان معاصر سرمایه‌داری ناقص و کهنه است. از یکطرف باین دلیل که خود برنامه تصویر زنده و تاریخی‌ای از امروز سرمایه‌داری، و بویژه تغییر و تحولات مهم دنیای سرمایه‌داری پس از جنگ دوم، ارائه نمی‌کند و آنرا در برنمی‌گیرد و از طرف دیگر باین خاطر که پاره‌ای از این تحولات، و یا دست کم عواقب اجتماعی و سیاسی آنها، فقط در سالهای اخیر آشکار شده‌اند.

۲ ـ تصویر و تحلیل برنامه از تجربه سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی در دوره معاصر ناقص و ناکافی و بعضا نادرست است و با درک و نظر امروز، و حتی سالها پیش ما در قبال این مسائل متفاوت است.

۳ ـ پاره ای نظرات و فرمولبندیهای موجود در برنامه در بعضی جاها با نظر امروز ما در قبال این مسائل متفاوت است و چه بسا اصولا متضمن دیدگاهی متفاوت است. (منجمله مساله شوروی، چین، رویزیونیسم و غیره) همینطور است در مورد پاره‌ای اصطلاحات که ما مدتهاست دیگر آنها را باین شیوه بکار نمی‌بریم مثل مارکسیسم ـ لنینسم و...

۴ ـ در بخش مربوط به ایران، گذشته از هر چیز دیگر، برنامه حالت تقسیم به برنامه حداکثر و برنامه حداقل را دارد و در آن دولت آلترناتیو به‌نحو نادرستی فرموله شده است.

www.iran-archive.com

یادآوری این لازم است که حزب کمونیست همیشه یکی از منتقدین دیدگاههای سوسیالیسم خلقی در ایران بوده است، دیدگاههایی که انقلاب را به مرحله های ثابت و از پیش تعریف شده ای تعریف می کردند، دیوار چین بین آنها ترسیم می کردند و تخطی از آنها را ی نوده های کارگر و زحمتکش مجاز نمی دانستند. با وجود این برنامه قدیمی حزب هنوز نتوانسته بود خود را بتمامی از قید این تقسیم بندیهای متداول خلاص کند و دولت آلترناتیو خود را بروشنی اعلام دارد. در پاسخ به همین نقیصه بود که بعدا شعار حکومت کارگری بعنوان دولت آلترناتیو کلیه حکومتهای بورژوازی در ایران در حزب مطرح و تصویب شد. بالطبع این موضوع هیچوقت در متن خود برنامه منعکس نشده بود، یعنی برنامه در این خصوص هم نیاز به تغییر داشت.

۵ ــ بطور کلی این برنامه از خلال جدال فکری خاصی در چپ ایران در یک دوره سیاسی و زمانی خاص بیرون آمده و مهر این هویت اولیه را کماکان برخود دارد. همین مساله به برنامه زبان خاص و قالب فکری خاصی داده است که دیگر با گذشت زمان حفظ آن نه تنها ضرورتی نداشت بکله مقید کننده و زیانبار بود.

۶ ــ بیان برنامه بیش از حد حکم گونه و فرمولوار است و جنبه تاریخی و توصیفی در آن بسیار کمرنگ است. زبان آن سیاسی و تهیجی نیست، بلکه کم و بیش غامض و فنی است. مخاطبان بالنسبه وسیع را مدنظر ندارد و الی آخر.

اگر همه این تغییرات لازم، و تغییرات لازم دیگری را هم که از ذکرشان می گذرم، در کنار هم بگذارید، می بینید که دیگر « اصلاح » برنامه قبلی نمی توانست منظور ما را برآورده کند. وانگهی از لحاظ مشکل هم مقید ماندن به قالبهای یکدوره از حیات چپ ایران، و نیز به قالبها و فرمولهای برنامه نویسی که یادگار سوسیال دمکراسی پایان قرن نوزده بوده اند، دیگر جز یک خشکی زائد و زیانبار چه چیز دیگری می توانست باشد؟ بنابراین در دوره اخیر که کار روی تغییر برنامه بطور جدی در دستور گذاشته شد، از همان ابتدا روشن بود که باید برنامه کاملا جدیدی تدوین کرد.

www.iran-archive.com

س ــ با این حساب متن خاصی بعنوان برنامه جدید حزب کمونیست پیشنهاد شده بود؟ در اینصورت سرنوشت این متن و بطور کلی سرنوشت برنامه در کنگره به کجا کشید؟

ج ــ بله ، پیش نویس برنامه شامل دو بخش عمومی و ایران تهیه شده و به کنگره ارائه شد. این متن‌ها که قبلا در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود، در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و پیشنهادهای چندی برای اصلاح و تکمیل‌شان مطرح شد. نهایتا کنگره با اکثریت بسیار بالایی متون پیشنهادی را در کلیت خود تصویب کرد. با این حساب برنامه‌ای که چند لحظه قبل لزوم تغییر آن صحبت کردیم، در واقع دیگر باید برنامه قدیمی و یا برنامه سابق حزب خوانده‌شود. در عین حال کنگره اصلاحاتی را در متون پیشنهادی لازم دید و لذا راسا کمیسیونی را انتخاب کرد و ماموریت تهیه متن نهایی و تکمیل شده برنامه را، طی یک دوره زمانی محدود، به آنها سپرد و در پایان این دوره هم تشکیل کنفرانس را بمنظور بررسی و تصویب نهایی متن برنامه جدید حزب کمونیست ایران تصویب کرد. با این حساب ما مدتی دیگر طرح نهایی برنامه را خواهیم داشت که برای بررسی و تصویب به این کنفرانس نمایندگان حزبی ارائه خواهد شد. ضمنا احتمال دارد که بزودی خود این متن برای اطلاع عموم منتشر شود.

س ــ در مورد بحث آینده سیاسی ایران، که یکی از دستور جلسات کنگره را تشکیل می‌داد، چه توضیحی دارید؟ در این بخش چه نتایجی گرفتید؟

ج ــ بررسی حتی الامکان دقیق وضعیت سیاسی در ایران همیشه برای حزب، ضروری است. کنگره چهارم تجمع بسیار مناسبی بود برای اینکه اوضاع سیاسی ایران و بخصوص روندهای احتمالی آتی آن مورد بحث قرار بگیرد تا باین

www.iran-archive.com

ترتیب درک روشنتر و جامعتری از سیر آتی اوضاع سیاسی در ایران بدست بیاید، آمادگی بیشتری برای روبرو شدن با اوضاع گوناگون کسب شود و وظایف سیاسی، تبلیغی و عملی دوره‌ای، با روشنی بیشتری تدقیق شود.

در این مبحث ضمن بررسی وضعیت مبارزه طبقاتی، موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم اسلامی، و همچنین موقعیت منطقه‌ای و جهانی آن، نقطه اصلی تاکید این بود که رژیم اسلامی ایران بشکل کنونی آن رژیمی است ناپایدار، قادر نیست بعنوان یک رژیم سیاسی نرمال و متعارف بقای خود را تضمین کند و خواه ناخواه رفتنی است و باین یا آن مشکل درهم می‌ریزد. طبعا اینکه این تحولات به چه شکلی، با قدرت گیری چه آلترناتیوی، با چه میزان دخالت توده‌ها « از پائین » آنهم با چه درجه روشن بینی و یا برعکس با چه توهماتی، با چه درجه‌ای آمادگی و حضور مستقل طبقه کارگر صورت می‌گیرد، نه فقط علی‌السویه نیست بلکه بی‌نهایت مهم است. واقعیت اینست که اقشار اجتماعی و نیروهای سیاسی کاملا مختلف و متضادی در این پروسه سهیمند. لذا حزب کمونیست باید در تبلیغات و در عملکرد سیاسی خود تلاش کند آمادگی کارگران و مردم زحمتکش را بالا ببرد، مطالبات و آلترناتیوهای کارگری و انقلابی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی وسیعا طرح کند، ماهیت واقعی آلترناتیوهای بورژوایی جمهوری اسلامی را به توده‌ها معرفی کند، سیاستهای حزب کمونیست را هر چه وسیعتر به توده‌ها بشناساند و زمینه‌های آمادگی ذهنی و عملی خود حزب را هم در مقابل احتمالات آتی بالا ببرد. ضمنا در همین رابطه قرارهایی هم در کنگره به تصویب رسید. این چیزی است که بطور خلاصه می‌توانم در رابطه با بحث فوق بگویم.

س ـ اساسنامه و مسائل تشکیلاتی هم در کنگره جزو دستور بود. آیا این بمعنای آنست که قصد تغییر اساسنامه را دارید؟ و اگر آری، در چه جهتی و در چه مواردی ؟

ج ـ بخش اعظیم کنگره راجع به اساسنامه را می‌توان در دو زمینه خلاصه کرد :

www.iran-archive.com

یکی بحثهایی که ناظر بر لزوم برسمیت شناختن صریحتر اقلیت حزبی، و بطور کلی گروهبندی‌های حزبی مخالف سیاستهای رسمی، و تعریف دقیقتر حقوق آنها و موازین کار آنها در اساسنامه بود.

دوم پاره‌ای ملاحظات انتقادی که در مورد « حقوق ویژه کومه‌له » مندرج در اساسنامه حزب مطرح شد.

هیچکدام از این بحثها با قطعنامه یا پیشنهاد مشخصی همراه نبود که برای تصویب به رای کنگره گذاشته شود، بلکه سخنرانانی بیشتر در حد تلاش برای معطوف کردن اذهان حزب به لزوم بررسی و تعمق بیشتر در این زمینه‌ها بود. در هر حال نهایتا قراری به تصویب کنگره رسید که بموجب آن کمیته مرکزی منتخب کنگره چهارم موظف شد کار بر روی اساسنامه، و در نتیجه تدوین پیشنهادهای اصلاحی خود، را بمنظور ارائه آن به کنگره پنجم حزب در دستور خود قرار دهد. رئوس بحث اساسنامه همین‌ها بود.

پیشنهاد دیگری که در این بخش از بحثها مطرح شد مربوط به تغییر نامه حزب و تبدیل آن به حزب سوسیالیست کارگری و لذا تغییر ماده مربوط به نام حزب در اساسنامه بود. این پیشنهاد برای تصویب به کنگره ارائه شد، اما رای نیاورد.

www.iran-archive.com

س ـ علاوه بر اساسنامه چه نکات دیگری در زمینه مسائل تشکیلاتی بحث شد؟

ج ـ در زمینه تشکیلاتی مسائل متعددی در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بسیاری جهت‌گیری‌ها و اقدامات در این زمینه‌ها تاکید شد، و در بعضی موارد قرارهایی هم به تصویب رسید، که اینجا می‌توانم رئوس آنها را نقل کنم :

ـ اصلاح و بهبود شیوه‌های کار کمیته مرکزی

ـ گسترش پایه تصمیم‌گیری و سیاست گزاری در حزب و تامین مشارکت و همفکری وسیعتر در این زمینه‌ها، افزایش دیالوگ در درون حزب، در جریان

قرار دادن بیشتر و سیستماتیک‌تر اعضای حزب از مسائلی که در حزب می‌گذرد مانند نتایج نشستها، ملاقاتها، فعالیتها، تصمیمات و غیره.

ـ فعال کردن بیشتر اعضا و کادرهای حزب و دخیل کردن بیشتر آنها در امور مختلف

ـ برقراری یک سیستم گزارش دهی صحیح بنحوی که کمیته مرکزی بتواند بطور روشن و رسمی از فعالیت تمام عرصه‌ها و بخشهای حزب مطلع شود.

ـ تاکید بر روی اجرای موازین و پرنسیپهای حزبی، تحکیم دیسپلین، بالا بردن امنیت و فعال کردن .

ـ بازسازی و فعال کردن فعالیت معطوف به کار سیاسی و حزبی مخفی در میان کارگران در ایران

ـ تقویت جدی رادیوهای حزب

ـ تضمین انتشار منظم و پیگیر نشریه یا نشریات حزبی

ـ تقویت کومه‌له و تامین نظارت و هدایت فشرده‌تر سیاسی و تشکیلاتی سازمان کردستان حزب از طرف کمیته مرکزی حزب

ـ بهبود و اصلاح پاره‌ای روشهای فعالیت حزب در خارج کشور

ـ تلاش برای بهبود وضع مالی حزب و تامین روشها و اقدامات لازم در این زمینه

س ـ اکنون با پایان گرفتن کار کنگره، و با توجه به همه مباحثات و مصوبات آن، برداشت عمومی شما از کنگره چهار م چیست و آنرا چطور ارزیابی می کنید؟

ج ـ من برداشت خیلی مثبتی از کنگره چهارم حزب دارم و فکر میکنم عموم شرکت‌کنندگان در کنگره هم در اینمورد با من موافق باشند. اما از بین همه نکات شخصا مایلم روی دو جنبه مثبت که بطور چشمگیری خود را نشان دادند انگشت بگذارم :

www.iran-archive.com

ـ یکی تحکیم وحدت درونی حزب بود. نه باین معنی که هیچ اختلاف نظر بر سر مسائل و روشهای مختلف وجود ندارد و یا نباید وجود داشته باشد. وجود اختلاف نظر در یک حزب سیاسی، اگر واقعا یک حزب سیاسی بوده و بر اساس مرید و مرادی قرار نگرفته باشد، در چهارچوب اهداف و برنامه و خط عمومی آن، و گاه حتی خارج از این چهارچوب، امری کاملا طبیعی است. مقصود من اینست که کنگره نشان داد که مرزبندیهای گذشته دیگر اعتباری ندارند، زخمهای گذشته التیام پیدا کرده اند و مسائل کهنه حداکثر یک مکان حاشیه ای احراز می کنند. در این کنگره رفاقت ها تجدید و تحکیم شد، تعهدها از نو تاکید شد و زمینه برای کار مشترک و متحدانه هر چه بیشتر فراهم شد. بقیه دیگر به فعالیت آینده بستگی دارد.

ـ مساله دیگر اصلاح الگوهای رفتار سیاسی در حزب بود. در کنگره از شیفتگی خبری نبود، بجایش تعقل و استدلال سیاسی روشن برایی داشت. کسی فرمولبندی های معجزآسایی عرضه نمی کرد تا دیگران با محک اینکه این بحث ها را « خوب گرفته اند » یا نه سنجیده شوند. مخالفت و موافقت سیاسی آشکار با بحثها، پیشنهادها و مواضع با آزادی و راحتی پیش می رفت. فضای سنگین غالب نمی شد و اگر گاه بنحوی خود را نشان می داد بزودی خرد و وجدان جمعی واکنش نشان می داد و کار را به روال صحیح می انداخت. اشتراک در بحثها فعالانه و تقریبا همگانی بود و متکلم وحده نداشتیم. در یک کلام، شاهد یک پختگی سیاسی و روشنی بودیم.

طبعا کنگره چهارم خالی از کمبود نبود و من ابدا قصد ندارم چند روزه کنگره را یک معجزه قلمداد کنم. و انگهی نسبت دادن این خصوصیات صرفا به یک تجمع چند روزه از واقع بینی بدور است. اینها ثمره تلاش مجدانه درحزب کمونیست طی چند سال گذشته، پس از جدایی ها، بودند و کنگره چهارم جایی بود که این واقعیت را منعکس می کرد.

س ـ بنظر شما این کنگره چه تاثیری بر وضعیت حزب کمونیست و فعالیتهای دوره آتی آن خواهد داشت ؟

www.iranarchive.com

ج ـ باعتقاد من کنگره چهارم در کل به افزایش شادابی سیاسی، به افزایش اعتماد بنفس و ایمان به آینده سیاسی حزب کمونیست کمک خوبی کرده است. یکی از نتایج آن هم تعهد بیشتر و آماده بکاری بیشتر کادرهای حزب بود.

این کنگره زمینه را برای رشد جدی فعالیتهای حزب کمونیست آماده‌تر کرده است. تحقق عملی آن دیگر بستگی به تلاش همگانی دارد.

www.iran-archive.com